

Bakhtiâri: Bible for 3 John, Matthew, Philemon, Titus

Formatted for Translators

©2022 Wycliffe Associates

Released under a Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

Bible Text: The English Unlocked Literal Bible (ULB)

©2017 Wycliffe Associates

Available at <https://bibleineverylanguage.org/translations>

The English Unlocked Literal Bible is based on the unfoldingWord® Literal Text, CC BY-SA 4.0. The original work of the unfoldingWord® Literal Text is available at <https://unfoldingword.bible/ult/>.

The ULB is licensed under the Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

Notes: English ULB Translation Notes

©2017 Wycliffe Associates

Available at <https://bibleineverylanguage.org/translations>

The English ULB Translation Notes is based on the unfoldingWord translationNotes, under CC BY-SA 4.0. The original unfoldingWord work is available at <https://unfoldingword.bible/utn>.

The ULB Notes is licensed under the Creative Commons Attribution-ShareAlike 4.0 International License.

To view a copy of the CC BY-SA 4.0 license visit <http://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/>

Below is a human-readable summary of (and not a substitute for) the license.

You are free to:

- Share — copy and redistribute the material in any medium or format.
- Adapt — remix, transform, and build upon the material for any purpose, even commercially.

The licensor cannot revoke these freedoms as long as you follow the license terms.

Under the following conditions:

- Attribution — You must attribute the work as follows: "Original work available at <https://BibleInEveryLanguage.org>." Attribution statements in derivative works should not in any way suggest that we endorse you or your use of this work.
- ShareAlike — If you remix, transform, or build upon the material, you must distribute your contributions under the same license as the original.
- No additional restrictions — You may not apply legal terms or technological measures that legally restrict others from doing anything the license permits.

Notices:

You do not have to comply with the license for elements of the material in the public domain or where your use is permitted by an applicable exception or limitation.

No warranties are given. The license may not give you all of the permissions necessary for your intended use. For example, other rights such as publicity, privacy, or moral rights may limit how you use the material.



Matthew

Chapter 1

¹کتاب تاریخچه عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم: ² ابراهیم، اسحاق را آورد، اسحاق، یعقوب را، و یعقوب، یهودا و برادرانش را. ³ یهودا، فریص و زراح را از تamar آورد. فریص، جضرون را آورد، و جضرون، رام را. ⁴ رام، عَمیناداب را آورد، عَمیناداب، تحشون را، و تحشون، ⁵ سَلْمون را. سَلْمون، بوَعز را از راحاب آورد، و بوَعز، عوبید را از روت. عوبید، یسا را آورد، ⁶ و یسا، داوود پادشاه را. داوود، سلیمان را از زن اوریا آورد. ⁷ سلیمان، رُبعام را آورد، رُبعام، آبیا را، و آبیا، آسا را. ⁸ آسا، یهوشافاط را آورد، یهوشافاط، یورام را، و یورام، عَزْیا را. ⁹ و عَزْیا، یوتام را آورد و یوتام، آحاز را آورد و آحاز، جِرَقْیا را آورد. ¹⁰ و جِرَقْیا، مَتَسَّى را آورد و مَتَسَّى، آمون را آورد و آمون، یوشیا را آورد. ¹¹ و یوشیا، یکنیا و برادرانش را در زمان جلای بابل آورد. ¹² پس از تبعید یهودیان به بابل: یکنیا، شِئلتیتیل را آورد، و شِئلتیتیل، زروبابل را. ¹³ زروبابل، آبیهد را آورد، آبیهد، الیاقیم را، و الیاقیم، عازور را. ¹⁴ عازور، صادوق را آورد، صادوق، آخیم را، و آخیم، الیود را. ¹⁵ الیود، العازار را آورد، العازار، مَتان را، و مَتان، یعقوب را. ¹⁶ یعقوب، یوسف همسر مریم را آورد که عیسی مَلَقَب به مسیح از او زاده شد. ¹⁷ بدین قرار، از ابراهیم تا داوود بر روی هم چهارده نسل و از داوود تا زمان تبعید یهودیان به بابل، چهارده نسل، و از زمان تبعید تا مسیح چهارده نسل بودند. ¹⁸ و دنیا اَوْتِن عیسی مسیح و ایصورت اتفاق و ست: مریم، دا عیسی، نیشون کرده یوسف بی. اما هَنی عروسی تَکِردِن بی، که معلوم وُوی مریم و روح القدس حامله هست. ¹⁹ اِزاوچوکه میرش یوسف خیلی میره ی ابرومندی بی و نیخواست مریم رُسوا بکونه، ایخواست که بی سروصدا ولش بکونه. ²⁰ اما تا ایخواست ای کاژون بکنه، پدغه فرشته ی خداوند اِوی مین خُوش وِش گو: ای یوسف، کُر داوود، اِز اِستِین زبَت مریم نترس، چونکه هرچیکه مین گُمش ناپیه، اِز روح القدس هست. ²¹ هُو کُری و دنیا ایباره که تو اِسمش ابینی عیسی (خدا نجات دهنده است) چونکه هُو قوم خویشین اِز گناهانشون نجات اییه. ²² همه ی اینو اتفاق و ست تا هرچیکه خدا و زبون پیامبر گُوی، و حقیقت برسه که: ²³ دُووَرِیکر حامله اییوه، به کُری و دنیا ایباره و هُون وِش ایگُون عمانوئیل. که اییوه خدا وایمانه. ²⁴ وقتی یوسف اِز خُو بیار اُوی، هر دستوری فرشته ی خدا وِش دا بی، انجام دا. و زبته ی خُویشین اِستی. ²⁵ اما دست وِش تَری تا هُو کُر خُویشین و دنیا اِورد؛ و یوسف اِسمشین نا عیسی.

¹ وقتی عیسی مین دوره ی هیروдіس پادشاه، مین بیت لحم یهودیه و دنیا ایوی، هُمو موقع چَنتا ستاره شناس از مشرق زمین ایوین اورشلیم، وُپرسین²: کَجَنه هُو پادشاه یهود ک و دنیا ایوی؟ چونکه ستاره ی هُون مین مشرق دیدیم و ایوم تا پپرستیمش. ³ وقتی ای خَوُر و گوش هیروдіس پادشاه رسی، خُوش و همه ی اورشلیم وای یک تریسیتین. ⁴ پس هُو همه ی گپیل کاهن و غلمای قومین جار زی و اِرشون پُرسی: مسیح کَجَه وَا و دُنیا بیا؟ ⁵ جواب دان: مین بیت لحم یهودیه، چونکه پیامبردر ای مورد ایطورونی نوشته بی: ⁶ ای بیت لحم که مین سرزمین یهودایی مین فرمانروایی یهود از هیچ کدوم کمتر نیستی، چونکه یه فرمانروایی از تو ایباهه که قوم مُون اسرائیلین چوینوی ایگونه. ⁷ پس هیروдіس وستاره شناسا گُو که بی سر و صدا پِرِن تیش و موقع دقیق ایوین ستاره نِ از اونو پُرسی. ⁸ بعد اوئون به بیت لحم روونه کرد، واونو گُو: پِرین در مورد او بجهو پُرس و جو بکنین هرسا جُستینیش و مُو هم بگُوبن تا مُو هم بیام وِش تعطیم بگنوم. ⁹ اونو وقتی حرفا پادشاه فهمین رَهْدِن، و هُموسو ستاره ای که مین مشرق دین بی جلوشون هی ایزهد تا بالاخره بالا سرهمو جای که بجه بی واستا. ¹⁰ اونو وَا دین ستاره خیلی خوشحال وُوبن. ¹¹ وقتی رهن مین هُونه، و بجهینه وَا مریم داش دین سترنان و گِل، و بجهین پرستش کِردِن بعد صندوقاشون واز کِردِن و سوغاتی هایِی از طِلا و کُنْدُر و مُر وِش پیش کِش کِردِن. ¹² و چون مین خُو هشدار وِشون داده وُوبی که تِرِن تی هیروдіس، و یه رَه دیه رَهْدِن مین شهر خوشون. ¹³ بعد از رَهْدِن ستاره شناسا، فرشته ی خدا مین خُو و یوسف ظاهر اُوبی و گُو: ویری، بجه و داشین وَردار و فرار کن پرومصر و هُموچو یَمَن تا وِت خَوُر بوم، چونکه هیروдіس دیندا بجه ایگرده تا بگُشش. ¹⁴ هُوَم شُو و شُو ویرستا بجه و داشین گیره و رَه مصر ¹⁵ تا مردن هیروдіس هُموچو مَنَد، ای اتفاقا وِست تا هرچی خدا و زُون پیامبر گُو بی اتفاق بیفته که کُر خومین از مصر جار زیوم. ¹⁶ تا هیروдіس قهمی که ستاره شناسا گولیش زین، خیلی عصبانی وُوبی و گُو، تمام کُرگل 2 سال و وازیر مین بیت لحم و دُورواش بین، مین اووقتی که از ستاره شناسا پُرسی بی، بگُشش. ¹⁷ هُمبوووبی که هرچی ارمیای نبی گُو بی، روشنا وُوبی که: ¹⁸ صدایی از رame و گوش ایرسه، صدای شیون و لیکه و ماتمی گپ. راحیل سی بچیلش ایگیریه و جا نیگیرش، چونکه دی نیستین. ¹⁹ بعد از مُردِن هیروдіس فرشته خدا ایوی مین خُو یوسف وِش گُو: ²⁰ ویری، بجه و داشین وَردار و پُرُو مین زمین اسرائیل چونکه اونوکه ایخواستین بَجینه بگُشش مُردِن. ²¹ پ هُوَم ویرستا، بجه و داشین وِرگی و رَه مین سرزمین اسرائیل. ²² اما وقتی قهمی که آرکلائوس وَا بوش هیروдіس مین یهودیه پادشاه وُوبه، تریسیت پره اوچو چونکه مین خُو وِش هُشداردان بی رَه وِست و رَه دوزبا جلیل. ²³ و رَه مین شهر ناصره حونه گیره، یو اتفاق وِست تا حرف پیامبرا حقیقت پیدا کُنه که گون ناصری ایخونیش.

¹مِنْ هَمو روزاھو یحییٰ عُسَل دهنده ظھور کِرد، هُو مین بیاوونا یھودیہ موعظه ایگرد و ایگو: ²توبه بُکْنین چونکه پادشاهی آسمون نزدیک ووبه. ³یو هَمونہ که اشعیای پیامبر دربارھش ایگو: صدای هُوبی که مین بیاوون هی جار ایزنه: "رہ خدان آماده بُکْنین!" رھهائین واز بُکْنین! ⁴یحییٰ لواسی از پشم شتر وُرش بی و کمریند چرمی و کمرش ایبست، و غذاش مِلخ و عسل کوهی بی. ⁵مردمون اورشلیم و سرتاسر یھودیہ و همه ی دُوربا آورو آردن، همه ایزن تی هُو ⁶و گناھاشون اعتراف ایگردن و مین آورو آردن هُو عُسَلِشون ایدا. ⁷اما وقتی یحییٰ دی خیلی از فریسیان و صدوقیان که ایان اوچو که هُو عُسَل ایدا، و اونو گو: (ای افعی زاده ها! که و ایشا هُشدار دا که از یلابی که چلوتونه، فرار کُنین؟ ⁸بَ یچی بیارین که آرزش توبه داشته بو، ⁹تی خوتون تگوبن "بو ایما ابراهیمه"، چونکه وتون ایگوم خدا قادره از هَمی بردا بچیللی سی ابراهیم بیاره. ¹⁰همین الان تیشه و ریشه یردا نایدہ ووی، هر یردی که ثمره ی خوتیه، ایبرنیش و ایبرینشون مین تَش. ¹¹مُو ایشان سی توبه وَا آو عُسَل اییوم؛ اما هُو که بعد مُو ایما جوندان تر از مونه و مُو حتی لایق گردن اُروسی یاشم نیستوم. هُو ایشان وَا روح القدس و تَش عُسَل ایه. ¹²هُو چنگکیش مین دستتیه و خرمن خویشن پاک ایگونه و گندومائین مین انبار غپون ایگونه، اما که هان مین تَشی که خاموش نیوه ایسوزنیشون. ¹³هموسو عیسیٰ از جلیل اوی مین آورو آردن تا یحییٰ عُسَلِش یه. ¹⁴اما یحییٰ تلاش کِرد رَا یئین یزنه و وش گو: تو وَا مُون عُسَلوم بی، و حالا تو اوی تی مُو؟ ¹⁵عیسیٰ مین جوابش گو: یل وَا ایطور ووبه، چونکه صلاح یونه که ایما وَا عدالت کامِلین روشنا بُکْنیم. اوسو یحییٰ راضی ووبی. ¹⁶تا عیسیٰ عُسَل کِرد، فوراً ازاو دیوی. هَموسو آسیمون واز ووبی و هُو روح خدان دی که مثل یه کیموتری اوی دُوون و نیشست ریش. ¹⁷هموسو به صدایی از آسیمون دیوی که یو کُر عزیمه که ایش راضیوم.

¹هَمُوسو روح، عيسى ن بُرد مين بياؤون تا شيطون وِسْوَسْتش بُكْنَه ²هَمُوسو كه عيسى چهل شُو وُ روز مين روزِه سَر كِرْد گُستش وُوبى. ³اوسو هَمو كه وِسْوَسه ايكُونه اوى تيش وُ وش گُو: آتِر تُو كُر خدایى و اى بَرْدا بُوگُو تا نون وُون! ⁴عيسى مين جُوابش گُو: يوشته وُوبه كه: اَدَمى فقط وُ نون زنده نى، بلكه وُ هر كلامى كه اَز دون خدا ايدرا. ⁵هَمُوسو شيطون هُون بُرد سَر شهر مقدس سَر بُلندى گُتيد نَاش وُ هُو گُو: آتِر تُو كُر خدایى، خُوتن يَه يره دوون، چونكه يوشته وُوبه كه سى تو وُ فِرشتبَل خوش دَسْتور ايه. و اُونو تُون سَر دَسْتا خُوشون ايكِرِن، كه يَوقَتى پَاتِن و يَه بَرْدى تَرَنى. ⁷عيسى مين جُوابش گُو: يُو هَم يوشته وُوبه كه، خداوند، خدا خُوتن آرمایش تَكُن. ⁸يَه وُلاى دى، شيطون هُون بُرد سَر يَه بُلندى كُوبى همه ي خُكومتا دُنيان وا يَموم بال و كوپالَشون و هُو يَشوينشون دا ⁹وش گُو آيِرَكُت وُوبى و مُون عَظِيم بُكْنى هَمه ي اينون ايوم تو. ¹⁰عيسى و هُو گُو: دير او اى شيطون! چونكه يوشته وُوبه: خداوند، خدای خُوتن پيرست و فقط هَمون عبادَت بُكُن. ¹¹هَمُوسو ابليس وِلش كِرْد، فرشته ها اِويِن خِدْمَتش كِرْد. ¹²وقَتى عيسى قَهْمى كه يحيى ن گِرْدنه، وِرگشت جليل. ¹³اَز ناصره زى سَرا، رَه كَفرناحوم و هَموچو مَند. كَفرناحوم كناره درياچه جليل و دُوژوا زبولون و نفتاليم بى. ¹⁴اينو وُويِن تا گُوده ي اشعياى پيامبر مَعلوم وُوه كه گُو بى: ¹⁵ديار زبولون و نفتاليم، رَه دريا، ديرا دير اردن، جليل مِلْتا؛ ¹⁶هَمو مَرْدُمى كه مين تاريكى سَر ايكِرِن يَه نور گِپى دِين، و رُوشنايى دِر خِشِست مين هَموجايى كه مين سايه ي مَرگ هونه داشْتين. ¹⁷اَز هَمُوسو دى عيسى شِروع كِرْد و اى پيغومين داين كه: توبه بُكْنين چونكه پادشاهى آسيمون نَزديك وُوبه. ¹⁸وقَتى كه عيسى بال او درياچه جليل و رَه ايره، دوتا گُون دى اِسْم يَكيشون شَمعون لَقُوش پطرس بى و آندرياس گُوش كه تور ايسِستين مين او چون مُوهيگير بين. ¹⁹وشون گُو: و دينا مُو پين تا ايشان شِكارچى مَرْدَم بُكُتُم. ²⁰اونو يَهوَه تَوراشون وِل كِرْدن و وسْتين ديناَش. ²¹وقَتى مين رَه هى رَه دوتا گُو دِين آندى يعوب كُر زبدي، و گُوش يوحنان دى كه وا بُوشون زبدي مين كَلَك بين و هى تَوراشون آماده ايكِرِن؛ جار هُوْتَم زى. ²²اونو هَم تُندى قايق و بُوشون وِل كِرْدن و ديناَش وسْتين و رَه. ²³هَميطورونى عيسى دور تا دور جليلين اِيگشت و مين عبادتگاهاشون درس وِشون ايدا و خُور خوش پادشاهين بشارت ايدا و هر درد و مَرَضى كه مردم داشْتين شفاشون ايدا. ²⁴جُورِش مين همه ي سوريه پيچِست و مردم همه ي مريضان كه هر نوع مَرَض و دردى داشْتين، و هر كى كِلو بى يا خُوره داشت يا افليج ايوِرْدن تيش و هُوم شفاشون ايدا. ²⁵مَرْدَمون زبَادى اَز جليل و ديكاپوليس و اورشليم و يهوديه وسْتين ديناَش.

¹ وقتی عیسی او جماعتون دی، ره ستر په کوبی نشست. هشموسو وردستاش اوبن تیش. ² و هوشروع کړد وبادشون ایدا و گؤ: ³ خوش و حال اونو که مین روح فقیرن، چونکه پادشاهی آسمون مال اوئونه. ⁴ خوش و حال ماتم زیډها چونکه اوئو و راختی ایریسن. ⁵ خوش و حال اونو که صویرن، چونکه زمین میراث اونو ایئوه. ⁶ خوش و حال اونو که گسسته تنشه عدالتن، چونکه همونوم سیر ایئون. ⁷ خوش و حال اونوی که رحم ایکنن، چونکه وشون رحم ایئوه. ⁸ خوش و حال اونو که دل پاکن، چونکه اوئو خدان اییین. ⁹ خوش و حال اونو که دیندا صلجن، چونکه اونو بچیل خدا خونده ایئون. ¹⁰ خوش و حال اونوی که سی عدالت زجر ایکیشن، چونکه پادشاهی آسمون مال ایئونه. ¹¹ خوش و حال ایشا هوموشو که مردم و خاطر مو ایشان داژدشمون و اذیت ایکنن، و حرف دژبی بر علیه ایشا اییین. ¹² خوش بوین و شاد چونکه پاداش گپی مین آسمون دارین. چونکه همیطورونی پیامبرای قبل از ایشان خیلی آزار دانه. ¹³ ایشا نیمیک ای دنیاین اما آیر نیمیک فاسد وویه، چطور ایوو هون دوواره نیمیکی بکنی؟ دی و کار نیا وایریمش ستر، و مردم پاتلیش بکنن. ¹⁴ ایشا روشنایی ای دنیاین. یه شهری که ستر بلندی په کوبی بنا وویه تیریم قایمیش بکنیم. ¹⁵ هیچ کی چران روشن نیکنه تا ینش زیر پیاله، اما اینش سر یه بلندی تا نورش همونونی که مین هونی روشن بکنه. ¹⁶ پ یلین نورتون بیا مردمین روشن بکنه تا کارا درست ایشاین بین و بوتون که مین آسمونه بیرستن. ¹⁷ فکر نکنین که اوئومه تا کتاو تورات و نوشته ی پیامبراین باطلشون بکنوم مو توئومه تا باطلشون بکنوم اوئومه تا تمومشون بکنوم. ¹⁸ چونکه آمین و ایشا ایگوم، تا آسمون و زمین خراو توون، نقطه یا همزه ای مین تورات اشتباه نیووه تا که همش و انجام برسه. ¹⁹ و هرکه یه ذره از کوچکتین ای دستوراتون کم ارزش بشماره و و بقیه ایطورونی یاده، مین پادشاهی آسمون کوچکتین ایئوه. اما هرکس ای دستوراتون اجرا بکنه و و بقیه هم یاد به، هو مین آسمون گپ ایخوننش. ²⁰ و ایشا ایگوم، تا درستی ایشا بالاتر از درستی عالما دین و فریسیان نئوه، هیچ وقت پادشاهی آسمون تترین یرین. ²²¹ قهمینه که و قلیبا گونه کسین نکش، و هرکه یکن بکشه سیزاش و محکم به. اما مو و ایشا ایگوم هرکی پرست و گو خوش، جزاش محکم به. و هرکی گو خوشن کوچیر یا سیکو بگونه جزاش محکم جلوشورایه هرکی وگو خوش بگو نادون سزاش تنش جهنده. ²³ پ هرس خواستی به نذری قربونی بکنی جلو خدا، یادت وست که گوت از تو ناراحتی و دل داره. ²⁴ نذرین ول بکن پزو و گوت صلح بکن بعد بیو نذرین پیش کش بکن. ²⁵ هرکی وت شکایتی کرده تون هی بره نی محکم، تا هنی مین رهی واش صلح بکن نه که تون په دست قاضی، قاضیم تون تحویل نگهان په و بیوفتی زندان. ²⁶ آمین، و تو ایگوم که تا قرون آخرن تیی نییی ستر. ²⁸⁷ قهمین که ایگون زنا نکنین. اما مو و ایشا ایگوم هرکی و تیه شهوت سیل په زینه ای بکنه، هوموشو مین دلش و هو زنا کرده ²⁹ آیر تیه راستت تون گمراه ایکنه یدرارش یش ستر چونکه سی تو بهتره که یه تیکه از بدنت نابود ووه تا که تمام بدنت میش تنش بسوزه. ³⁰ آیر دست راستت تون گمراه ایکنه یکنش ویرش په چونکه سی تو بهتره که یه عضوی از بدنت نابود ووه تا ایکه همه ی بدنت بیوفته مین تنش جهنم. ³¹ همیطور که ایگون هرکی زیتش طلاق په، وایه طلاق نامه ای په دستش. ³² اما مو و ایشا ایگوم هرکی زیتش به غیر از ایکه بی عفتی کرده بو طلاق په، هو باعث زنا ار ووتیش وویه، و هرکی په زینه طلاق دادن پستونه زنا ایگونه. ³³ بازم قهمینه قدیمیل ایگون قسم دوزو نخور فقط و قسما خوت و خدا وفا بکن. ³⁴ اما مو و ایشا ایگوم هیچ موقع قسم نخورین، نه و آسمون، چونکه تخت پادشاهی خدایه. ³⁵ نه و زمین چونکه کرسی زیر پاشه نه و اورشلیم، چونکه شهر گپ پادشاهی خدایه. ³⁶ و سرخوتونم قسم نخورین چونکه حتی په مین تترین سفی یا سیاه بکونین. ³⁷ ها ایشا هامو ها بوه نه ایشا همو نه چونکه بیشتر از یو از شیطونه ³⁸ قهمینه که ایگون تیه جا تیه دندون جا دندون. ³⁹ اما مو و ایشا ایگوم جلو آدم شر نواست ایریکی سیلی زی مین گوشت ریت در به تا اوطرفم بزنه. ⁴⁰ هرسا یکی وات دعوا ایگونه که قباتن بستونه تو عباتنم وش به ⁴¹ ایر یکی تون مجبور ایگونه که صد قدم واش بری تو دویست قدم واش برو. ⁴² هرسا یکی بچی وت ایخوبش وایر یکی از تو قرض خواست ری واپشت نکن ⁴³ قهمیدینه که ایگون و همسات محبت بکن و و دوشمنت دوشمنی. ⁴⁴ اما مو و ایشا ایگوم و دشمنوتون محبت بکونین و سی اونوی که دشمنوتون این وازتون متنفرن دعا خیر بکن ⁴⁵ تا پدرخوتون که مین آسونه گرگلش ووبن چونکه هو آفتوشن سر بدیل و خویل ایزنه و بارون سر درست کارو طولمون ایزنه ⁴⁶ ایر فقط واونوی محبت بکنین که ایشان دوست دارن چه پاداشی طی خدا دارین؟ مر باج گرا هم می کارون نیکون؟ ⁴⁷ وایر فقط و گویل خوتون بیلام بکنین چه گفتری سریقیه دارین؟ مر باج گرا هم می کارون نیکون؟ ⁴⁸ پ ایشا هم کامل بوین هاموطور که پدر آسمونیتون کامله

¹ پادتون بوه که رازونیازا خوتونن سی خدا جلو تیا مردم نکینن که ایشان بینن آندی تی پدرتون که مین اسمونه هیچ پاداشی نارین.
² هرسا صدقه ایدین جار نزنین عین ریاکارا که مین معبدا وکیچه بازارا ایکونن تا مردم ازشون تعریف بوکونن آمین و ایشا ایگوم اینواجرشون کامل ایستینه³ پ تو هرسا صدقه ایدی به طوری به که دست چیت و دست راستت خور دار نووه.⁴ تا صدقه توقام بوه اوسو پدرتوکه از همه چی آگایه و تو پاداش ایه.⁵ هرسا رازو نیاز ایکونی مثل ریاکارا نبوینن که دلشون ایخومین کنیسه ها و سرکوچه ها واستن دعا بکونن تا مردم بیننشون آمین و ایشا ایگوم اینوکامل اجرشون ایستینه.⁶ اما تو هرسا دعا ایکونی برومین اتاقت درن بند و طی پدرخوت که ناپیدایه رازونیازا بکن تا پدر تو که وهمه چی آگایه تون آشکارا پاداش به.⁷ وهر سا دعا ایکونی حرف ها ول هی تکرار نکینن مثل قومون بت پرست که فکر ایکونن ایر زبادی تکرار بکونن دعااشون مستجاب ایبوه.⁸ پ مثل اونوبوین چونکه پدرایشا قبل از ایکه ایشا وش بوگوین نیازا ایشان ایدونه.⁹ پ ایشاهم ایطورونی دعا بکونن، ای پدر ایما که مین آسمونی نوم تو مقدس با.¹⁰ پادشاهی توبیاهه خواسته توهاموطورکه مین آسمونا هستو مین زمین انجام ووه.¹¹ سهمیه نون امروز ای مان امروز و ای ما به.¹² قرضها ای مان بخش هاموطورکه ای مافرضدارامون ایبخشیم.¹³ ای مان میاآرما، ای مان ازشرشیطون نجات به. چونکه پادشاهی و قدرت و جلال این تونه تا ابدالآباد، آمین¹⁴ چونکه ایر خطاها مردمن بخشی پدر آسمونیم ایشان ایبخشه.¹⁵ اما ایر تقصیرا مردمن نبخشی پدرایشا هم تقصیراتون نبیخشه.¹⁶ هرساکه روزه ایگرین مثل ریاکارا اخمو تبوینن چونکه اونو ری خوینن ایطورونی ایگرین تا مردم بفهمن ایئو روزه دارن. آمین و ایشا ایگوم که پاداش خوشونن کامل ایستینه.¹⁷ اما تو هرسا روزه ایگری، و سر خوت روغن یزن و ری خوتن بشور.¹⁸ مردم نفهمن روزه داری، فقط پدر تو که قائمه بفهمه و پدر توکه و همه چی آگایه و تو پاداش ایه.¹⁹ گنجتوین سر زمین ته نین، همواجایی که بید و زنگ ضرر ایرسونه و دزدا ایدزیشون و غارتشون ایکنه.²⁰ پ گنجتوین مین آسیمون پینیش، هموچویی که بید و زنگ ضرر ایرسونه دزدا نیدزدیش و غارت نکینن.²¹ چونکه هر جا گنج تونه قلب تو هموچونه.²² تیه چرا بدنه؛ آیرتیت پاک بوه همه وجودت روشنا ایبوه.²³ اما آیر تیات ناپاک بوه، همه وجودت تاریکی ایگره. پ آیر نوری که مین تونه تاریکی بوه چه تاریکی گپی هستو.²⁴ هیچکی تیره دوتا آراین خدمت بکنه، چونکه و یکی نفرت داره و و یکی محبت ایکنه، و یا یکین ایگره و یکی دین خار ایکنه. تیرین هم بنده خدا بوین و هم بنده پیل.²⁵ پ و ایشا ایگوم دلواپس زندایاتون نبوینن که چه بخورین یا چه بنوشین و دلواپس نبوینن که چه بیوشین. مَر زنده ای ایشا، از خوراک و بدن ایشا از لَواس بهتر نیست؟²⁶ ینگشتون مین هوان سیل بکنین نه ایکارن و نه درو ایکنن نه مین همئون جمع ایکنن و پدر آسمونی تون روزیشون اییه. آبا ایشا پتر و با ارزش تر از اوئو نیستین؟²⁷ گویکیئون ایتیرین وا نگرونی به ساعت سر عمرتون؟²⁸ سی چه دلواپس لواسین؟ سیل بکنین گلا مین بیاوون چطوری گپ ایون نه مَرمتی دارن نه زحمت ایکنین.²⁹ و ایشا ایگوم که سلیموتم و او همه جلال و جبروت عین یکی از اونو قشنگ تبویشی.³⁰ آیر خدا علفا بیاوونین که امروز هستشون و شوا مین چاله وسته ایئون چوئو قشنگ ایکنه و ریشون، پ ایشانی که ایمونتون ضعیفه خیلی بهتر نیکنه ورتون؟³¹ پ نگرونی ناشته بوینن چه خردیم و چه بخوریم و چه بکنیم ورمون.³² چونکه قومون بت پرست دیندا همه ای چاهئین. اما پدر آسمونی ایشا ایدونه که ایئون لازم دارین.³³ اول دیندا پادشاهی و عدالت خدا بوینن اوسو همه ی ایئو و ایشا داده ایئوه.³⁴ دی نگرونی ضون ناشته بوینن چونکه شوا نگرونیا خوینن داره دردسترا امروز سی امروز بسه

¹ داوری نکنین تا ایشان داوری نکن. ² چونکه هموطورکه مردین داوری بکنین اونو ایشان داوری ایکن و هر تیرازی که بکشین واهمو سی ایشا کشیه اییوه. ³ سی چه یه ذره که ین مین تیه گوت ایینی اما از چوبی که مین تیه خوته غافلی. ⁴ چطور ایتری و گوت بگویی یل پر که مین تیت بدراژم اما خوت چو مین تیتته. ⁵ وی رباکار اول چو مین تیه خوتین بدرار، اوسو بهتر ایینی تا پر که مین تیه گوتین بدراری. ⁶ هرچی پاکه، و سگئل نیینیش و مرواریا خوتونن تبیین تی گرازون، که اونون پاسا نکن اوسو ورگردن، خوتونن یدرن. ⁷ بخوین که و ایشا داده اییوه بجورین که جسته اییوه. ⁸ چونکه هرکی بخو و دست اییاره و هرکی بگرده ایجوره و هرکی یگوه در و ریشواز اییوه. ⁹ کو یکی از ایشا آتر گرش از هو نون بوخو برد ایش. ¹⁰ با آیر ماهی بوخو مار ایش؟ ¹¹ حالا ایشا واهمه ی بی ذاتیتون ایدونین که واهیا خو و بچیلتون بین. پ بیشتر پدر ایشا که مین آسمونه و اونو که از هو بخون چیا خیلی خو ایبخشه. ¹² پ واهمرد هموطور رفتار بکنین که ایخوین واهیا رفتار ووه. یو خلاصه کتاو تورات و دست نوشته ی پیامبرا یه. ¹³ از در تنگ بیین داخل چونکه فراخ ایو او دری که پته همو رهیه که آخرش هلاکته و خیلی داخلش اییون. ¹⁴ اما او دری که تنگه و او ره ی که سخته آخرش و حیات ایرسه و اونوبی که ایجورینش کمن. ¹⁵ از پیامبرا دروگو دیری بکنین اونو مین یواس گوسفند اییان اما باطنشون، گرگی درنده ین. ¹⁶ اوئون از ثمره شون ایشناسین. مَر انگورن از پته خار و آنجیرن از علف هرز ایچینن؟ ¹⁷ همیطورن که یدرد خو میوه خو ایده اما یدرد بد، میوه بد. ¹⁸ یدرد خو تیره میوه بد یه ریا، و یدرد بد تیره ثمره خو بیار. ¹⁹ هر یدردی که میوه خو نیاره، بریه اییوه و مین تش ایوفته. ²⁰ اونون از ثمره شون، ایشناسین. ²¹ هرکی مون سرورم سرورم بگو، نتره مین پادشاهی آسمون ره پیدا بکنه، فقط هرکی که اراده پدرمون مین آسمون انجام یه. ²² مین اُروز خلیا و مو ایگون، سرورم سرورم آیا و اسم تو پیشگوی نکریم؟ آیا و اسم تو دیوان ستر نکریم؟ آیا و اسم تو زیاد معجزه نکریم؟ ²³ اما و اوئو و ئندی ایگوم که، ایشان اصلا نیشناسم ای بدکاران از مو دبروون. ²⁴ پ هرکی و حرف مو گووش به و و اونو عمل بکونه، مثل میره دانایی هستو که هونشین ستر برد ایسازه. ²⁵ چونکه بارون زی، و سیل و ره و ست و باد ایوی، تترست او هونه یون خراو بکونه چونکه ستر برد ساختش بی. ²⁶ اما هرکی حرفها مون گوش یگره، اما و شون عمل نکونه مثل میره نادونی هستو هونشین سرشن ساخته. ²⁷ تا بارون زی، و سیل ره و ست و باد ایوی، و هونش زورگو و خراوش کرد و چه خراوی گپی بی. ²⁸ تا عیسی حرفاش تموم کردن مردم حیرت کردن از تعلیماتش. ²⁹ چونکه واهقتدار و محکم تعلیم ایدا نه مثل عالما دینشون.

¹ ئا عيسى كه از كوه اوى، دُون يَه جماعت گپى وُستَن و دىنداش. ² هَموسو يَه ميرهُ جزامى اوى نشىست جلو پاش و وش گُو: سرورم اَترُخوى، ايتِرِ پاكُم بكنى. ³ عيسى دستين دراز كرد، و قش دست كشى و وش گُو: ايخوم، پاك وُو! فورى جذامش پاك وُوى. ⁴ بعدش عيسى وش گو حواست بو و كسى هيجى نگو، فقط يَزو يى كاھن خوتن نشون يَه پيش كشى كه موسى دستور داده، تقدیم بكن تا گواه بوه. ⁵ ئا عيسى اوى مين كفرناحوم، يَه سواز رومى اوى تيش وا التماس، ⁶ وش گُو: سرورم كينِرم فلج وُوى خيلى درد ايكشه و مين حونه خوه. ⁷ عيسى گُو: مُواياهُوم و هُون شفا ايوم. ⁸ سرواز چُونو جواو دا گُو: سرورم، مُو لايق نيسْتُم تو ببي مين ئوم. فقط تو بُوگو تا كينِرم شفا پيدا بكنه. ⁹ چونكه مُو ميرِه اى هستُم زير دست و سروازايى هم زير دست خوم داژم؛ و يكى ايگوم يَزو، ايره و يكى ايگوم بُو اياهه و غلام خوم ايگو بُون بكن، هُو هم وِجا اياره. ¹⁰ عيسى هم وقتى حرفاش فهمي خيلى خوشحال وُوى، و اونويى كه و دىنداش هى ايوين گُو: آمى و ايشا ايگوم كه چُونو ايمونى حتى مين اسرائيل يئوم بى. ¹¹ و ايشا ايگوم ك خيليا از شرق و غرب، اياهن و مين پادشاهى آسمون و ابراهيم و اسحاق و يعقوب ستر يَه سَفَره ايشين. ¹² اما بچيل اى پادشاهيو يسه ايئون ستر، مين تاريكى هَموچو كه ايگريون و دندوناشون ستر يك ايكشين. ¹³ بعد عيسى و او سرواز گُو: بزو، كه و اندازه ايمونت و تو داده وُوى، هَموسو كينِرش خُو وُوى. ¹⁴ وقتى عيسى ر هونه پطرس، دا زيتئين دى كه ئو كرده، و وُسته. ¹⁵ عيسى دستيشن گِره و توش قطع وُوى. ب هُو وِريستوا، از عيسى پذيرايى كرد. ¹⁶ دَم غرو خيلى از ديو زنده هان اوردن و هُو وا كيلوم خوش اونون كِردشون ستر اوو همه مريضان خُو كرد. ¹⁷ ئا ايچو پيشگوياى اشعياى پيغمبر و حقيقت رسي كه. هُو ضعفا ايمان گِر و مريضيا يامان بُرد. ¹⁸ وقتى عيسى دى آدمگل زيادى جمع وُوين دورش دستور دا برىم اوطرف دريا. ¹⁹ هَموسو يكى از عالما دينى اوى تيش وش گُو اى استا هرجا برى از تو دستور ايگِرم. ²⁰ عيسى وش گُو: روواه هونه داره و ينگشتون مين هوا آشيونه. اما كُر انسان جا ستراندن ناره. ²¹ يَه شاگردى دى وش گُو: اول يل تا يرم، بُويمين خاك بُكنم و بِيام. ²² اما عيسى وش گُو مُون پيروى بكن يل مُرديل، مرديل خاك بُكن. ²³ اوسو عيسى سوار يَه قابقى وُوى و شاگرداشم وُستَن و دىنداش. ²⁴ بهُو يَه طيفون سختى گِره كه نزديك بى قابق غرق وُوه، اما عيسى خُو بى. ²⁵ ب شاگرداش ايوين بيارش كردن، وش گون سرورمون هيجى تَمَنده كه غرق وُويم وِبرى نجاتمون يَه! ²⁶ عيسى وشون گُو اى كم ايمونا سى چه چُونو ترىستين؟ ب وِريستا و باد و آو نهيو زى و همه جا آروم وُوى. ²⁷ همه وا تعجب و يك ايگودن، يُو چه آدميه كه حتى باد و آو هم وش فرمون اييرن! ²⁸ هَموسو كه و جرجسيان كه او طرف دريا بى رسين، دوتا ميرِه كيلو دين كه از گورستون ايويدين، اونو چُونو كيلو بين كه هيج كس تترست تيشون رد وُوه. ²⁹ اونو جاز زين اى كُر خدا تو چكار ايمان دارى؟ اويدي قبل از موعِد ايمان عذاو بى؟ ³⁰ يَزره ديرتروا اونو گله خوكى هى ايچرين. ³¹ ديوا و عيسى التماس كردن گون اَتر ايگنيمون ستر پنمون مين او گله گرازون. ³² وشون گُو برين، ديوا دُوين رن مين گله گرازون و تيموم گله از بلندى ريسيتن، مين آو و همه شون هلاك وُوين. ³³ چويونا گرازون فرار كردن، رن مين شهر و هرچى وُوى و هرچى كه سى او ديو زِيدِلو اتفاق وُسته بى تعريف كردن. ³⁴ بعد همه مردم سى ديدن عيسى ايوين، و وش التماس كردن كه از اوچو يره.

¹ عیسی شوار کشتی ۋوی، زه اوور آو مین شهر خوش. ² هموسو یه میره فلجی که ستر دُشک ځو بی، اورین تیش عیسی که ایمون اُونون دی، وشون گو دلت قوی بُکن فرزندم که گناهونیت بخشیه ۋوین. ³ اوسو عالما دینی و ټک گون، ای میره کُرف ایگو. ³ عیسی قهمی چه فکری ایکن، وشون گو سی چه ای فکرا پلیدون ایکن؟ ⁵ گودن کوپکی بهتره، یو که گناهات بخشیه ۋوین یا یوکه وبری زه یزو؟ ⁶ حالا یدونین پسر انسان ری زمین قدرت بخشین گناهان داره و افلیج گو وبری دُشک وِردار، یزو هوتون. اوسو او میره وبریستا زه هوتش! ⁷ او میره وبریستا زه هوتش. ⁸ مردم که هی سیل ایگردن چه ځور ۋوی، ترپستین و خدای که ای قدرئون داده، و انسان شکر کړین. ⁹ عیسی که از اوچوهی ابره، میره این دی و اسم متی که ستر زه نشسته بی وش گو: دیندا مو بیو. هو هم وبریستا، وست و دینداش. ¹⁰ یه روز عیسی مین هونه متی ستر شرفه نشسته بی که خلی از جراج گیر و گنه کارا ایوین، وا هو و شاگرداش نشستین ستر یه شرفه. ¹¹ فرسیان که اوئون دین، و شاگرداش گون سی چه استاد ایشا و خراجگیرا و گنه کارا غذا ایخوره؟ ¹² وقتی و گوش عیسی رسی، گو: مریضا طوبو ایخون، نه سالما. ¹³ برین یفهمین، ای کلامی که گوده چنه که رحمتش ایپسندم نه قریونی، چونکه مو توبومه تا خداپرستان دعوت گنم، اوپومه سی گنه کارا. ¹⁴ شاگردا یحیی ایوین تی عیسی، وش گون سی چه ایما و فرسیان روزه ایگیریم، اما شاگردا تو نیگیرن؟ ¹⁵ عیسی وشون گو مریضه مهمونا عروسی، تا وقتی دوما و باشونه عزاداری بُکین؟ اما یه روزی ایاهه که دوما از شون گرده اییوه، اوسو روزه ایگیرن. ¹⁶ هیچکی پارچه نون و لواس کهنه وصله نیکنه چونکه وصله کنده اییوه اوسو بدتر پاره اییوه. ¹⁷ شراو تازه ن مین مشک کهنه نیریز چونکه مشک اییوکه، و شراو ابرسیه و مشکم پاره اییوه. شراو تازه ن مین مشک نو ابریزن تا هردوتا سالم یمن. ¹⁸ هموسو که ای حرفان عیسی وشون ایزی یکی رئیساشون ایو ینشت جلو پاش، و گو دوزم همی حالا مُرد وا ای حال بیو دستیت پنه سترش که زنده اییوه. ¹⁹ عیسی وبریستا، و شاگرداش واش زه. ²⁰ مین همو ردن یه زینه ای که دوازده سال خین ربزی داشت، از پشت ستر و عیسی نزدیک ۋوی و دست زی و لواییش. ²¹ هو تی خوش گو، آیر حتی و لواییشم دست یزُم شفا پیدا ایکنوم. ²² عیسی ورگشت دیش و وش گو دلت قوی بُکن، که ایمونیت ئون شفا دا از هموساعت زینه شفا پیدا کرد. ²³ وقتی عیسی زه مین همو هونه، و دی همه هی شروو ایخون. ²⁴ دستور دا برین ستر دُور فقط ځووه، تُمُرده اما اُونو وش خندستین. ²⁶ وقتی مَرْدَم کړد ستر عیسی زه داخل دست دُورن گیره و دُور وبریستا. ²⁵ ځور ای اتفاق مین کُل منطقه پیچست. ²⁷ وقتی عیسی از او مکان زه، دوتا میره کور وستین و دینداش جار ایزین ۋی گر داوود، و ایما رحم گن. ²⁸ زه هونه اودوتا میره زن تیش عیسی وشون گو ایمون دارین که اینزوم ای کارن آنجوم نوم؟ وشون گون ها سترورمون. ²⁹ بعدش عیسی دست نا قد تپاشون، و گو آیر ایمون دارین تپاتون وازوون. ³⁰ هموسو تپاشون واز ۋوی عیسی وشون هُشدار دا گو هیچکس ځوردار تُووه. ³¹ اما اوئو تا رین، همه جان ځوردار کړین. ³² هموشو که اُونو هی ایزین یه میره ای که دیو زهده بی و لال ۋوی بی اورین تی عیسی. ³³ تا عیسی او دیون کړد ستر، زوون میره واز ۋوی مَرْدَم حیرت کړد که تاحالا چوونو چی مین اسرائیل دپه تُوویه. ³⁴ اما فرسیان گودن هو دیوان و کمک رئیس دیوا، ایکنه ستر. ³⁵ عیسی مین همه شهر و دهاتا ایگشت مین عبادتگاهاشون درس ایدا، و درد و مریضیان شفا ایدا. ³⁶ وقتی جمعیتن دی، دیش شو چونکه مثل گوسفندا بی چوبون پربشون و درمونده بین. ³⁷ و شاگرداش گو محصول زیاده اما کارگرا کمن. ³⁸ از صاحبو محصول بُخون کارگر سی دزو محصول خوش بفرسته.

¹ هاموسو دوازدهتا شاگردش قدرت دا تا روح ها ناپاکن بکنن و درو هر درد و بیمارین بیفا بن² اینو اسما دوازدهتا رسول بین، اولی شمعون معروف و پطرس و گووش اندریاس؛ یعقو گر زیدی و گوویش یوحنا؛³ فیلیپس و برتولما؛ توما و متی باجگر؛ یعقو گر حلفی و دای⁴ شمعون غیور و یهودای استخریوطی که عیسان داد و دشمنون⁵ عیسی ای دوازدهتان فرستا و وشون گو، نرین تی غیر یهودیا و مین هیچ شهری از سامره داخل نووین .⁶ برین تی گوسفندون بلا ووبه اسرائیل .⁷ وقتی هی ایرین ای خورون بین که پادشاهی آسمون نریک ووبه.⁸ بیماران بیفا بین و مردیلن زنده بکونین، دیوان بکونین ودر. مفت استینه مفت بدین⁹ نه طلا نه نقره نه مس وا ختون¹⁰ بورین و سی سقرتون لواس یا کفش یا چودستی اضافی نبرین چونکه کارگر مستحق خوراک خوشه.¹¹ مین هر شهریا دهاتی که ایرین ت آدم درستی بجورین و برین طبیش و اچو یمنین تا موقع رذن .¹² وقتی و هونه ای داخل ایبوئین بگوین سیلام برایشا ؛¹³ اتر او هونه یو لایق بوسیلام ایشا وشون ایرسه وایر لایق تبون و خوتون ایورگرده.¹⁴ ایرکسی ایشان نپذیره یا و حرفاتون گوش تبه موقعی که از او هونه یو هی ایرین خاک پاتون یتینین .¹⁵ آمین وایشا ایگوم مین روز قیامت طاقیت سزا سدوم و غموره آسوتنر ازاو شهرونه.¹⁶ مو ایشان مثل گوسفندون رونه ایکونم برین مین گرگون ، پ مثل مارهوشیارو مثل کموتر ساده بوینین.¹⁷ هواستون و قردم بو اونو ایشان و دادگاه ایرین و مین عبادتگاهاشون ایشان ترکه ایرنن ،¹⁸ و خاطر مو ایشان تی قاضی و پادشاه ایترن تا جلو اونو و قومون دنیا شهادتی بوین¹⁹ اما ایر ایشان تسلیم کردن نترسین، که چه بکونین یا چه بگوین او زمانو هرچی وای بگوین و ایشا عطا ایبو،²⁰ چونکه هوکه حرف ایرنه ایشا نیستین ، روح پدر ایشانه که وای ایشا صحبت ایکونه .²¹ گو، گونه و بو، کین و کشتن ایبه و بچیل ستر دا و بو ایورستن و اونون ایکنش؛²² همه مردم و خاطر اسم مو از ایشامتنفر ایبون ، اما هر کسی که تا و آخریمنه نجات پیدا ایکونه.²³ تا مین ت شهری ایشان اذیت ایکونن فرار بکونین مین ت شهری دی آمین و ایشا ایگوم که تا مین همه شهرهای اسرائیل برین ، گر انسان ایاهه.²⁴ نه شاگرد گفتنر از استاد خوشه و نه غلام بالاتر از اربابو خوش.²⁵ فقط کافی که شاگرد مثل استادش بو و غلام مثل اربابوش ووه. پ ایر و صاوونه ایگون شیطون و چقد بدترن افراد هونش .²⁶ پ و اونو نترسین که هیچی پنهنون نیست که نیا به دیاری و هیچی قام نیست که برملا نووه.²⁷ هرچی مین تاریکی وتون گوم مین روشنایی بگوینش وهرچی مین گوشاتون گم سر بوم جارش بزنین از اونوی که جسمین ایکنش، تیرسین اونو تیرن روح بکنین از هو بترسین که ایتره هم روجن م جسمین مین تش جهنم هلاک بکنه.²⁹ مر دوتا ینگیشین و یه پیل سیاه نیفروشین؟ وایحال حتی یه ینگیشتم بی خواست پدر ایشا نیوفته وگل.³⁰ حتی میا سترتون هقش بشمردده ووبه.³¹ پ تیرسین چونکه ارزش ایشا بیشتر از هزارتا ینگیشته.³² هرکی جلو مردم مون یشناسه، مو جلو پدر خوم که مین آسمونه هون ایشناسم.³³ اما هرکی جلو مردم مون انکار بکنه، مو جلو پدر خوم که مین آسمونه انکارش ایگوم.³⁴ فکر کنین که اوئومه، تا صلح بیاژم سرزمین توئومه تا صلح بیاژم بلکه شمشیر اوردم.³⁵ اوئوم تا کین و بو، دورن و دا، عرویین و خسی بریزم و یک.³⁶ دشمنون هرکسی، آدما هونه خوش ایبون.³⁷ هرکی دا و بو خوشن از مو بیشتر از مو بخو، هو شایسته مو نیست.³⁸ هرکی صلیب خوشن تگره و دیندا مو تبا به، هو شایسته مو نیست.³⁹ هرکی بخو جون خوشن حفظ بکنه، هون از دست ایبه و هرکی جونشون و خاطر مو از دست یه هون حفظ ایکونه.⁴⁰ هرکی ایشان بپذیره، مون پذیرفته و هرکی مون بپذیره فرستنده مون پذیرفته.⁴¹ هرکی یه پیامبرین و خاطر هو که پیامبر هستو بپذیره پاداشه پیامبرین ایگر و هرکی یه عادلین و خاطر هو که عادل هستو، بپذیره پاداش عادلین ایگره.⁴² هرکی و یکی از این کوچیرتلو جون شاگرد مو هستن یه لیوان او سردی یه، آمین وش ایگوم بی پاداش نیمنه.

¹ وقتی عیسی ای دستوران و دوازده تا شاگردش دا، از اوچو ره مین شهرهای دیه که تعلیم یه و موعظه بُکنه. ² وقتی یحیی مین زندان، کارا مسیحین قهمی شاگردا خوشین فرستا. ³ تا پیرسین آیا تو هامونی که واسکی بیاچه یا وا مندیر کسی دیه بوییم؟ عیسی گو یرین و هرچه اییین و هرچه ایشنیون و یحیی بُوگوبن. ⁴ که کوریل اییین و لسم و ره ایرن خزامیا پاک ووبنه، کرا ایقهیم مُردیل زنده ایون و فقیرتل هم بشارت داده ایبو. ⁵ خوش و حال کسی که مین مُو تلغزه. ⁶ تا شاگردا یحیی هی ایرن، عیسی سی یحیی شروع و صحبت کرد و و جماعت گود رهدین سی چه مین بیاوون؟ سی دین ته نی که باد هی تکنونش ایه؟ ⁷ اَتر ته پ سی دین چه رهدین؟ سی دین میره ای که لَواس ترم نازک ویش بی؟ اونوی که لَواسا ترم و نازک ویشونه مین کاخ پادشاهین. ⁸ پ رهدین چه بینین؟ پیامیر بینین؟ ها و ایشا ایگوم که هُو از پیامیر بالاتر بی. ⁹ چونکه هُو هامونه که سیش یوشینه، حالا پیام آور خومین چلو تو ایفرستم که رهن سیت واز بُکنه. ¹⁰ آمین و ایشا ایگوم که گفتَر از یحیی تعمید دهنده از دا تَراییه، اما کوچکترین مین پادشاهی آسیمون از هُو گفتَره. ¹¹ از زمان یحیی تعمید دهنده تا حالا، پادشاهی آسیمون پُر قدرت هی ایره چلو و زورآورا هُون ایگیرن. ¹² چونکه همه پیامبرا و تورات تا زمان یحیی پیشگوی ایگردن. ¹³ و اَتر تخون پَیَیرین، یحیی هامو الیاس که واسکی بیاچه. ¹⁴ هرکی گوش شنوا داره ایشنیوه. ¹⁵ ای تسلون بُگوم عین چین؟ عین بچیلی هستن که ایشنین مین کیچه و بازار، و و یک و دُورن جارایزن ¹⁶ ایگوم. سی ایشا نی زیدیم، ترقصستین غمونه خوندیم سینه تَریین. ¹⁷ چونکه یحیی اوی که نه ایخرد و نه اینوشی، گودن دیو داره. ¹⁸ پسر انسان اوید که ایخوره و اینوشه ایگوم ت میره کم پرست و شر اوخوارور فیک خراجگیراؤگنه کارایه اما حقیقت، حکمه کارایش ثابت ایگونه ¹⁹ اوسو عیسی سر زینشت کرد او شهرایین که بیشرمینشون معجزه کرد بی اماتوبه نکردن بی، ²⁰ اَف وتر خورزین! و اَف وتوبیت صیدا! چونکه آیر ای معجزه های که مین ایشا بی مین صوروصیدون ووبهء مردمون اوچو خیلی وقت پیش مین هُل و پلاس توبه ایگردن. ²¹ اما مطمئن بووین مین روز قیامت مجازات صوروصیدون آسوتراز ایشا ایبو. ²² و تو کفرناحوم که تا و فلک سر بلند کردیه، مین جهنم سرنگون ایبوی چونکه معجزاتی که مین تو ووی آیر مین صدوم بیهء تا امروز باقی ایمند. ²³ اما اُن بدونین که مین روز قیومت مجازات صدوم بهتراز تو تحمل ایبو. ²⁴ هاموسوعیسی گو: ای پدر مالک زمین و آسمون تون شاکرم که ای حقایقن از خردمندا و دونایون پنهن کردی و و بچیل نشون دادی. ²⁵ ها پدر چونکه شادی تو مین یو بی. ²⁶ پدر همه چین داده و موو هیچکس پدرن نیشناسه جز پسر، هیچکسم پسرن نیشناسه جز پدر، و کسونین که پسر بخوه وش نشون ایه. ²⁷ بین تی مو ای کسونی که زحمتکشین و باراتون سنگینه که مو ایشان آسایش ایوم. ²⁸ پُرک مُون و خوتون یگرین و ازمو درس یگرین چونکه ساده و افتاده دلوم و مین جونهای خوتون آسایش پیدا ایکونین. ²⁹ چونکه پُرک مو راحته و بار مو بیوک. ³⁰

¹ ھاموزمان عیسی مین روز شبات اِزتی زمینھا گندم ھی رد ایووی و شاگرداش که گُستشون وُوی بی ھی بُنه ھا گندومن ایگندن وایخردن. ² فریسیا که ھی سیلشون ایگردن و ش گن شاگردا تو ھی کاری ایگونن که مین روز شبات درست نیست. ³ وشون گو مَر نخوندینه که داوود و بارانش موقعی که گسشنون بی چه کِردن؟ ⁴ اَرَن مین ھونہ خدا، و نون حضور خدان خرد که خردنش سی خوشور فیکاش جلال تَبی، فقط سی کاھنا بی. ⁵ یا مین تورات نخوندینه که مین روز شبات، کاھنا مین معبد شباتن بی حرمت ایگونن و بیگناھن؟ ⁶ حالا وایشا ایگوم که یکی گفتر اِز قدس ایچونہ. ⁷ و اَیر یون درک ایگردن که رَحمت ایخوم نہ قربونی، بی گناھون سرزنش نیکردن. ⁸ چونکہ پسر انسان صاحاو روز شباتم ھست. ⁹ اَز اُچو رَہ مین عبادتگاشون، ¹⁰ ئ مِیرہ ای که دستش ھشک بی ھاموچو بی. اِز عیسی پُرسین، شِیفا دادن مین روز شبات درستہ یا نہ؟ تا ئ بونہ ای سی محکوم کِردنش و دست بیارن. ¹¹ واونو گو اَیریکی اِزایشا ئ گوسفندی داشته بوہ و مین روز شبات بیوفتہ مین چہ، نیگیرن اِز مین چہ پِدرارینش؟ ¹² حالا آدمی چقد و ارزیشتر اِز گوسفندہ. بَ خووی کِردن مین روز شبات مُجازہ. ¹³ اوسو و ھامو مِیرہ یو گو، دستین دراز بکن! ھوھم دستش دراز کِرد، مثل اویکی سالم ووی. ¹⁴ اما فریسیا رھدن و دَر، وایک شور کِردن که چطور بگُشینش. ¹⁵ وقتی عیسی قہمست اِز اوچو رَہ، اما خلیا و دینداس رھدن. ھوھم اونون شِیفا دا. ¹⁶ و وشون گو ھیچ جا شہرتش تین. ¹⁷ ای اتفاقا وِستن تاگودہء آشعیا و انجام برسه که گو ¹⁸ یونہ بندہء مو که انتخاوش کِردم و عزیزمونه که خاطرُم اِزش راحتہ. روح خومن اینوم سترش تا عدالتن مین مین ھمہ قومھا اعلام بگُئہ. ¹⁹ دِعاو نیگنہ، قال و مَنقال نیگنہ مین کیچہ ھا ھیچکس صدانش نیقہمہ. ²⁰ ئی ھیرد ووتن نیشکنہ و فیتیلہء نیمسوزن خاموش نیگنہ تا عدالت و پیروزی پرسہ. ²¹ اسمش سی ھمہ امٹھا امید ایبوہ. ²² ھاموسو ئ مِیرہء دیوزیدہ این اوردن تیش و ھون شِیفا دا طوری که کورولال ھم ایدی ھم حرف زی. ²³ ھمہ جماعت حیرت کِردن، گو، آیا یو کُر داوود نی؟ ²⁴ اما فریسیا کہ قہمستن گون یو وکمک بعلزبول، سَرہء دیوای که دیوونن ایگونہ و در! ²⁵ عیسی فکِرشون خوند، و وشون گوھر حکومتی و ضد خوش و بریستہ، نابود ایبو، و ھر شہریاھونہ ای که و ضد خوش و بریستہ، و جا نی مَنہ. ²⁶ اَیر شیطون، شیطونن و دَر بگُئہ، و ضد خوش و بریستادہ. بَ چطور حکومتش پاوَرچا یمنہ؟ ²⁷ و اَیرمو وکمک بعلزبول دیوونن ایگونن و دَر، بچیل ایشا وکمک کی ایکاژن ایگنن؟ بَ ھامونو خوشون ایشان داوری ایگنن. ²⁸ اما اَیرمو وکمک روح خدا دیوونن و دَر ایگنوم، بدونین پادشاهی خدا و ایشا رسیہ. ²⁹ و چطور یکی ایترہ پرہ مین ھونہء ئ شخص زورداری و مالیشن غارت بگُئہ، مِیر ایکہ اول او زوردارون بندہ اوسو ھوتشن غارت بگُئہ؟ ³⁰ ھر کی وامو نیست، و ضد مونہ و ھرکی وا مو جمع بگُئہ، پخش و پلا ایگونہ. ³¹ و ایشا ایگوم ھر گنہ و کُفری که انسان بگُئہ اُمُرزیدہ ایبو، اما کفر و روح خدا اُمُرزیدہ نیبو. ³² ھرکی حرفی و ضد پسر انسان یزنہ، اُمُرزیدہ ایبو اما ھرکی و ضد روح القدس حرف یزنہ، تہ مین ی دنیا تہ مین او دنیا اُمُرزیدہ نیبو. ³³ اَیر مِیوہ خُوا بگُئہ و اِردتون خو بُوہ، چونکہ اِردت بد مِیوہ بد اِیہ اِردن اِز مِیوہ ش ایبو پیشناسی. ³⁴ ای افعی زادیل، ایشا کہ بد سیرتین چطور ایتربن حرف خُو یزنن چونکہ ھرچی مین اِیلتہ و زونیت اباہہ. ³⁵ آدم خُو اِز خزینہ خُو بی دل خوش، خُو بی ایارہ اما آدم بد اِز خزینہ بد، دل خوش بدی. ³⁶ اما و ایشا ایگوم کہ مردم سی ھر حرف ولی کہ یزنن، مین روز داوڑی چساو پَس این. ³⁷ چونکہ وا حرفا خوتون آزاد ایبوین و وا حرفا خوتون محکوم ایبوین. ³⁸ ھاموسو چنتا اِز غلما دینی و فریسیان و ش گودن: اُستاد ایخویم چنتا مُعجزہ اِز تو بنیم. ³⁹ جُواو دا تسَل ظالم و زناکار معجزہ ایخون اما معجزہ ای وشون داده نیبو جز معجزہ یونس سہ روز و سہ شو مین کُم ماھی گپی بی، پسر انسان سہ روز و سہ شو مین دل زمین ایمنہ. ⁴¹ مَر دُمون نینوا مین روز داوڑی وا ای تسَل ایویرستین، و محکومیشون ایگنن چونکہ اونو و خاطر حرفھا یونس توبہ کِردن اما حالا، یکی گفتر اِز یونس ایچونہ. ⁴² ملکہ جنوب مین روز داوڑی وا ای تسَل ایویرستین، و محکومیشون ایگنہ چونکہ ھو اِز اوور دنیا اِوی تا حِکمت سلیمان گوش پَہ، و ای حال یکی گفتر اِز سلیمان ایچونہ. ⁴³ ھر سا یَہ روح ناپاکی اِز یکی ایدرا، اِیرہ جاھا ھشک و خالی تا یَہ جایی سی راحت خُوش یچورہ اما نیچورہ. ⁴⁴ پَ ایگو و ھونہ ی که اِزش اِوٹومہ اِوُرگَر دُم، اما وقتی اوچو اِیرسیہ و ھوتن خلی و پاک و تمیز ایچورہ. ⁴⁵ اِیرہ و ھفتا روح بدتر اِز خویشن ایارہ ھمہ داخل ایبون و اوچو سُکووت ایگنن، تَنجش یو ایبو کہ اَخرش او آدمو بدتر اِز اُولش ایبو بہ عاقبت ای نسل شریر ھمبو ایبو. ⁴⁶ مین ھامو حال کہ عیسی وا مردم ھی صحبت ایگر داش و گوتلش بیرون واستان بی ایخاستن واش صَحبت بگُئن. ⁴⁷ یَہ نَقَر اِوی وش خور دا، کہ دا و گوتلش بیرون واستانہ و ایخون وات صَحبت بگُئن. ⁴⁸ جُواو دا، دا مو کیہ؟ گوتل مو کیا ھستین؟ ⁴⁹ اوسو وا دَست و شاگرداش اِشارہ کِرد و گو ایبو دا و گوتل مُونن. ⁵⁰ چونکہ ھرکی ارادہ پدر مُون کہ مین آسیمونہ و جا بیارہ ھو گو و دی و دا مُونہ.

¹ها موروز عیسیٰ از هُوتش زی و دَر و بیرون هُوتش ایوی، نیشست بال دریا. ²اما چُونو جمعیت گپی دُورش گِرِن که شوار قای وُوی و نیشست، طوری که مردم مین هُوشکی واستاين بی. ³اوسو خیلی چیان وا مئل سی شو تعریف کرد گو، یه روزی ته کیشاورزی سی تُحم رَدَن زی و دَر. ⁴تا دونه اپاشی، بعضیاشون ایوسَین ستر ره و ینگشتون ایوین ایخردشون. ⁵بعضیاشوتم ایوسَین ستر کل بردا که زیاد خاک ناشین، و زی شوز ایووی چونکه خاکش کم پی بی. ⁶اما تا آفتو ایدوی ایسوَدِن و چونکه ریشه ناشین هُشک ایووی. ⁷بعضیاشوتم مین خار و گیشه ایوسَین و خارا گپ ایووی، اوئون خفه ایگردن. ⁸اما بقیه دونه ها ستر زمین خُو ایوسَین وبار دادن، بعضی صد پراور بعضی شصت پراور و بعضی سی. ⁹هرکی گوش شنوا داره پشنوه. ¹⁰اوسو شاگرداش ایوین تیش و وش پُرسین، سیچه و مردم وا مثل صحبت ایکونی؟ ¹¹مین جواوشون گو سیر پادشاهی آسمون فقط و اپشا داده وویه نه واونو، ¹²چونکه و هرکی داره بیشتر داده ایبوتا و فراوونی داشته بو. ¹³و از هُوکه ناره هاموهم که داره گِردِه ایو. ¹⁴سی هم چینو وا اونو مئل طور صحبت ایکنوم چونکه سبیل ایکن اما نبیین و شینوا هستن امانیشوَن و نیفهم. ¹⁵پیشگوی اشعیا درباره شون وحقیقت رسی که ایگو، وگوشا خوشون اشون امانیفهم و تیا خوشون اییین اما درک نیکن. ¹⁶چونکه دل ای قومو سخت وویه وگوشاشون سنگین وویه و تیاوشون بَسَینه، که یوقت وا تیاوشون تبیین و واگوشاشون تشنوفن و مین دلشون نفهم و ورگردن و شفاوشون بوم. ¹⁷اما خوش و حال اپشا که تیتلون اییین و گوشاتون ایشنوفن ¹⁸آمین و اپشا ایگوم که خیلی از پیغمبرا و خداپرستا دلشون ایخواست اوجی که اپشا اییین، بین و نیدن وهرچی اپشا گوش اییدن پشنوفن اما تشنیین. ¹⁹پ اپشا معنیه مئل کیشاورزن گوش بین. ²⁰وقتی کسی کلوم پادشاهی آسمون ایشنوه اما هون درک نیکنه شیطون ایاهه وهرچی مین دلش کاشته وویه ایبره یو هامودونه ایه که مین ره وِست. ²¹دونه ای که ستر بردا وِست کسی هست که بی معطلی کلوم ایشنوه و فوری هون وا شادی ایپذیره، ²²اما چونکه ریشه ناره یکم دووم ایاره اما تا خاطر کلوم بخورده سختی و ادبت ایاهه، فوری ایبوفته. ²³دونه ای که مین خارو گیشه وِست، هامو کسی هست که کلوم ایشنوه اما یگرونا دنیا و فریپ مال و ثروت خَفش ایکونه و بی تَمَرايقنه. ²⁴اما دونه ای که مین زمین خو وِست کسی هست که کلوم ایشنوه، هون ایقهمه وِثمر و بار ایاره، بعضی صدتا بعضی شصتا و بعضی سی تا وبار ایاره. ²⁵عیسی ئ مئلی دی سیشون گو، پادشاهی آسمون مثل میره ایه که مین زمینش دونه خو کاشت، ²⁶اما موقعی که مردمون خُو بین دشمنشون ایوی و مین گندمش علف هرز کاشت و ره. ²⁷اوسو که گندم شوزووی علفاهم دَوبِدِن. ²⁸کارگرا صاوهونه رهین تیش ووش گودن، آقا مَر تو دونه خو مین زمینت تکاشتی؟ پ ای علفا هرزو از کوجه اویه؟ ²⁹وشون گو یو کار دُشمنونه. گودن ایخوی بریم اونون جمع بُکنیم؟ ³⁰گو، نه، آیرئخون علفا هرزن جمع بُکونین گندمانم و ریشه ایبرارین. ³¹پلین هاردو تا موقع یرو، وایک گپ وون اوسو موقع یرو، و دروگرا ایگوم که اول علفا هرزن جمع بُکون و پسوز نییشون اوسو گندمان مین تابو انبارشون کنین. ³²دوواره ئ مئلی دی سیشون گو، پادشاهی آسمون مئل دونه خُردلی ایقنه که ئ نفر هون بُرد مین زمینش کاشت. ³³و حالای که دونه خُردل اِزهمه دونه ها کوچیر تره اما وقتی رُشد ایکنه اِز همه دَردا باغ گفترایو، دَردی ایووه که همه پَرندیل آسمون ابان مین لَناش هونه ایکن. ³⁴و مئلی دی سیشون گو، پادشاهی آسمون مثل مابه خمیریه که ئ زینه ای ایوی واسه تا کیسه گپ آرد قاطیش کرد، تا ور ایوی. ³⁵عیسی همه ای حرفانه و مئل سی جماعت ایگو، وهیچی بدون مئل تگو، ³⁶یو و آنجوم رسی تا گودِه پیامبر وِتامم برسه، دونوم و مئل واز ایکونمو هرچی که اِز اول دنیا قام بین، ایگوم اوسو عیسی جماعتن رد کرد، و ره مین هونه و شاگرداش ایوین تیش، ووش گون مئل علفا هرز وزمین سی ایما بُگو. ³⁷هوهم جواو دا، او کسی که بذر خو ایکاره پسر انسان، ³⁸زمین ای دنیاه، و بذرخو هم بچیل پادشاهی آسمون، و علفا هرزم بچیل شیطون. ³⁹و دشمنی که اونون ایکاره، ابلیسه و فصل یرو آخِرَرمونه و فرشته هاهم دروگرارین. ⁴⁰هامو طور که علفا هرزین جم ایکون و ایسوزن، مین آخر زمونم همیطور ایو. ⁴¹پسر انسان فرشتیل خوین ایفرسته و اونو هرکی که باعث گُنايه و هم بدکاران جم ایکون، ⁴²و اونون ایین مین کوره تَش، هاموچو که گیربوه و دندون و دندون سائیدن هستو. ⁴³اوسو خداپرستا مین پادشاهی پدر خوشون، مئل آفتوی ایدرخشن. هرکی گوش شنوا داره ایشنوه. ⁴⁴پادشاهی آسمون مئل گنجی هستو، که مین دل زمین پنهونه و یکی ایره ایجورشو باز فامش ایکونه و ایره همه داروتدارش ایفروشه و ایاهه او زمینون ایره. ⁴⁵دوواره پادشاهی آسمون مئل تاجریه که دیندا مرواربا اصله، ⁴⁶تا ئ مرواری و آرزشی ایینه ایره هرچی داره ایفروشه و هون ایره. ⁴⁷باز پادشاهی آسمون مئل تورمای هستو که مین دریا ایپیش و هر نوع ماهی ایا مینش، ⁴⁸اوسو که پُر ووی ایکینش ستر او، و ایپیشین خوان ایریز مین سَلَج و لبشیلشون ایریز ایره. ⁴⁹آخر زمونم همی طورنه، که فرشتیل ایاهن بدیلن اِز مین خویل جدا ایکون، ⁵⁰و انون ایین مین کوره تَش هاموچو که گریوه و دندون و دندون سائیدن. ⁵¹عیسی وِشون گو، حالا فهمیدین اینوی که گوم؟ گودن ها خداوند. ⁵²دوواره وِشون گو، پ هر عالم دینی، که درباره پادشاهی آسمون درس گرده، مثل صاوهونه ایه که مین خَزینه ش چی نو و کونه ایدراهِه. ⁵³وقتی عیسی ای مَلاهُون تموم کرد اِز اوچو ره. ⁵⁴ره مین شهرخوش و مین عبادتگاهشون درس ایدا، مردم تعجب کردن، و ایپرسین، ای شخصو چطور چونو حکیم و قدرتمند وویه؟ ای معجزان اِز کوجه یاد گرده؟ ⁵⁵مَر هو کُر نجار نیستو؟ مَر اسم داش مریم نیستو؟ و گوتیش یعغو و یوسف و شمعون و یهوذا؟ ⁵⁶مَرهمه دیلش همیچو تی ایما نیستن؟ پ ای چیان اِز کوجه یاد گرده؟ و نظرشون نادرست ایوی. اما عیسی وِشون گو، تبی بی خُرمَت نیبو بغیرازمین شهرخوش و هونه خوش. ⁵⁷و اوچو و خاطر بی ایمونیشون زیاد معجزه نکرد.

¹ ھاموقع آوازہ عیسیٰ و گوش ھیرودیسی پادشا رسی، ² و زیردستاش گویو یحییٰ غسل دهندهء که ایز مین مُردیل ویرستاده، سی هم چینو قدرت داره ای کاران بُکونه. ³ ھیرودیسی و خاطر ھیرو دیا، که قبالا زینه کاکاش فیلیپس، بی یحیان گیره یست مین زندان؛ ⁴ چونکه یحیی وش گو بی ای زینه یو وتو جلال نیست. ⁵ ایخواست یحیان بُکُشه، اما ایز مردم که یحیان و پیامبری قول داشتن ایتر یست. ⁶ مین روز تولد ھیرودیسی، دُور ھیرو دیا چوئونی رقصیت، که دل ھیرو دیسین شاد کرد. ⁷ که قِسَم خرد، هرچی که بُخو وش ایه. ⁸ دُور که داش تحریش کرد بی گو: سَر یحییٰ عَسل دهندين هَمیچو مین تَه سینی بوم. پادشاه خیلی ناراحت وُوی، اما و خاطر قِسمی که خَرده بی و و احترام مِهموناش گو یَدیش. ¹⁰ پَ فرستا سَر یحیان مین زَندون جدا کرد. ¹¹ و هُون مین تَه سینی اُورِین، دان دُور و هُوهم دایش و داش. ¹² شاگردا یحیی هم اِوین، جَسَدیش بُردیش خاکش کَرِین و بعد اِوین، و عیسی خُور دان. ¹³ وقتی عیسی بُون قَهَمی سَوار قایق وُوی، و رَه مین تَه جا دیری خَلوت کرد مردم که خُور دار وُوین، وَا پا پیاده ایز شهر اُوشون وِستین و دینداش. ¹⁴ وقتی عیسی اِز قایق پیاده وُوی، و او جَماعتون دی دِلش سیشون سُو و رَحَم اِوی و مَرِیضاشون شِفا دا. ¹⁵ دَم غُرو شاگرداش اِوین وش گُون اِیچو مِکان پَرتیه و دیرِماله، مَرْدُم رَد کُن تا بَرِین مین دَرِدهاتا دُور وُبا تَه چی بُخُورن. ¹⁶ عیسی وِشون گُو لازم نی، مردم بَرِین خُونون عَذا بینیشون. ¹⁷ شاگرداش گُودن اِیچو فقط پَنجتا نون و دوتا مایِی داریم. ¹⁸ عیسی گُو اوئُون بیارین تِی مسو. ¹⁹ اوئُو دستوردا مردم بِشِین سَر عَلف بعد پَنجتا نون و دوتا مایِین اِستی و سِیل آسیمون کرد و برکت دا بعد نونان پارِه کرد و دا شاگرداش اونو هم دان مردم. ²⁰ همه خَرِین و سِیر وُوین و اضافایشین، دُوازده تا سَلَن پُر کرد. ²¹ اونو که خَرِین یَغیر اِز رَنگل و بَجَل پنچ هزارتا میر بین. ²² عیسی سریع و شاگرداش گُ تا مَرْدُم مَرَحَص اِیگونه اونو سَوار قایق وُون، و قبل اِز هُو پَرسین اُور دریا. ²³ مَرْدُم که مَرَحَص کرد، خوشو تَک رَه سَر کُوه که دعا بُکُنه سُو وُوی و هُو هم هَاموچو خوشو تَک مَند. ²⁴ قایق که اِز هُوشکی دیر اِیوی تَکون اِیخرد، چونکه باد بَرعَکس اِیوی. ²⁵ اِخرا سُو بی، که عیسی قَدَم زَنون سَر آو، رَه تیشون. ²⁶ وقتی شاگردا هُون موقع رَه رَهین سَر آو دِین تَریسِین، گُون آبا رُوح و اِز تَرس اِیقارنِین. ²⁷ اما عیسی وِشون گُو دِلتون تَلَرِه، مُوئوم تَترسین. ²⁸ پَطر جُواو دا سَر وُرم آبر تونی دستور یَه تا مُو هم سَر آو، بیام تیت. ²⁹ دستور دا بُو اوسو پَطرس اِز قایق دُوی، و ری آو رَه سمت عیسی. ³⁰ اما تا بادن دی تَریسِیت و وِست مین آو، و جار اِیزی سرورم یجائِم یَه. ³¹ عیسی فوری دَستیش دِراز کرد، و هُون گیره و وش گُو ی کم ایمون سی ه شک کِردی؟ ³² تا اِوین مین قایق باد خَلاص وُوی. ³³ بعد کسایِی که مین قایق بین جلو عیسی زونی زین، و وش گُون و راستی که تو پسر خدایِی. پَ وقتی و اُور آو رَسین مین منطقه جنسیره دِوین. مَرْدُمون اوچو عیسان شِناختن، و رُوَنه کَرِین تموم اطراف مریضان اُورِین تیش. اونو اِلِیماس اِیکَرِین که اجازه یَه دست و آباش یَزین و هرکی دست اِیزی شِفا پیدا اِیکرد.

¹ بَعْدِش ئَ عَدِه اَز فَرېسِياوَعِلما دِني اورشليم اِوين تى عيسى، وِش گُون، ² سِيچِه شاگردا تو رسم ورسوم گُفتروين اِين زېريا، چونكه اونو دستاشوين قبل اَز غذا خَرْدن نيشورن؟ ³ هوهم گو ايشا سِيچِه يس رسم ورسوم خوتون حَكَم خُدان زېريا اِينين؟ ⁴ چونكه خدا اِيگُووِيدرومادر خوت احترام بنه، ⁵ هركى وِيدرومادر خوش نايِز اِگُو وا كُشته وه. ⁶ اما ايشا اِيگُوين هركى و پدرومادرش اِگُو هركمكى كه مو ايتَرَم بَكْنوم وقف خُدايه، ⁷ اِيطوژنى ديه سى هو واجب نى و بوش احترام ينه، اِيطورونى سى رسم ورسومتون حَكَم خدان باطل اِيكْنين. ⁸ اى رباكاران، اِشعيا قَدْ قَشَنگ دربارَه ايشا پيشگويى كِرْد كه گو، ⁹ اى قومو وا لُواشون ومو احترام اِينين، اما دِلاشون اِزمو دِبره. ¹⁰ اونو مون عبادت اِيكُوين اما درساشون غِير اَز افكار انساني هِيچى نِست. ¹¹ اوسومردمين تى خوش جمع كِرْد وِگُو گوش بين وبفهمين؛ ¹² هرچى كه اِينين مين دويتون ايشان نِجست نِيكُونه، هرچى كه اِزدوتون اِياهه وِدر، هو آدَمين نِجسن اِيكونه. ¹³ اوسو شاگرداش اِوين، وِش گُون، آيا ايدونى اى حرفا تو سى فَرېسِيا ناپسندَه؟ ¹⁴ عيسى جُاودا هر بُوته اى كه پدَر اَسْمونى مو نكاشته بوه، ريشه كن اِيبو. ¹⁵ گو اونون و حال خوشون نِين، اى گُورا راهنوما كُورِيَلِن، هَرسا كُورى عصا كِش كُورى دى اِيبو هاردو اِيبو فتن مين چَه. ¹⁶ پِطَرُس گُو اى مَقْلُون سى اِيما بَكُو. ¹⁷ عيسى جُاودا، آيا ايشا هم هِنى نيقهمين؟ ¹⁸ آيا ايشا نونين كه هرچى اِزدون داخل اِيبو ايره مين كُوم و بعد دفع اِيبو. ¹⁹ اما هرچى اِزدون ايدراهه، اَز دل سرچشمه داره و يونه كه آدَمين نِجست اِيكونه. ²⁰ چونكه اِزدله كه فِكرا خِراو، قتل و زنا وى عفتى و دزدى و شهادت دورو تهمت اِياهه وِدر. ²¹ اِينون كه آدَمين نِجست اِيكُونين، نه غذا خَرْدن وا دستها نَشوشتَه. ²² عيسى اوچون ترك كِرْد و رِه مين منطقه صوروصيدون. ²³ يهووه ئَ زينهء كنعانى اَز مَرْدَمون هاموچواوى تيش و ليكه زنون اِيگُو، سَرَوَرَم اى كُر داوود و مو رحم كن دووَرَم كِيلو وويه. ²⁴ اما عيسى هِيچ جُواوِش نا تا شاگرداش اِوين و ازش خواهش كِرْدن، هون رَدش كن، خِلى ليكه ايزنه و و دِندامون اِياهه. ²⁵ مين جُواوِشون گُو مو فقط سى گُوسفنديل پِلا وويه اسرائيل اِيبومه. ²⁶ اما او زينه يو اوى جُلوياهاش رُونى زى گُو سَروروم وداؤم پِرس. ²⁷ مين جُواوِش گُو نون بَجِييلِن اِسيَتِنو تى سَكِييل پِستَن دُرست نِست. ²⁸ او زينه هم گُو، دُرسته سَرورَم اما سَكِييلَم اِز نون كولاى كه شُفره صاحوِشون اِيبو فته، اِيخورن. ²⁹ اوسو عيسى گُو اى زينه! ايمونت خِلى زباده! خواستت برآورده ووى، مين هاموساعت دووَر شفا گِره. ³⁰ عيسى اِز اوچو خَركت كِرْد، تا و كنار درياچه جليل رِسى رَه رِى بُلندى كوهى نشِست. ³¹ و ئَ جماعت زباده اِوين وواخوشون شَلان و كُوران و گُنگ و لَنگان اِوردن تيش و اونون شِفا دا. ³² مَرْدَمون، كه دِين گُنگا حرف ايزنن و شِلا سالم و لَنگا و رِه ايرن و كُورا ايبينن، تعجب كِرْدن و خدائ اسرائيلن شُكر كِرْدن. ³³ عيسى جار شاگرداش زى و گو، دلوم سى اى مَرْدَمون ايشوسه چونكه حالاسه روزه وا موين هِيچى سى خَرْدن نارن نِيخوم اونون گُسنه رَد بَكْنوم پِرَه يوقتى مين رَه ضعف اِيكْنين. ³⁴ شاگردونش گُون مين اى بياؤنو كوجه ايتريم سى اى جماعتونون كِراكن پِجوريم؟ ³⁵ پِرسى چَندا نون دارين؟ گُون هفتا نون و چَندا ماهى كوچِر. ³⁶ پَ و مَرْدَم دستور دا پِنشِين رى زمين. ³⁷ اوسو هفتا نون و چَندا ماهين گِره، بعد اِز شُكر كِرْدن تيكه كِرْد دا شاگرداش و شاگرداشم دان جماعت. ³⁸ همه خَرْدن و سِر ووين وهفتا زنبيل اِز تيكه ها جَم كِرْدن. ³⁹ غِير اِز رَنگَل و بَجِيل چَهار هزارتا مِرْد خوراك خَرْدن. ⁴⁰ بعد عسى مَرْدَمون مَرَحَص كِرْد رَه مين منطقه مَقِدون.

¹فريسيا و صدوقيا اوين تى عيسى تا آزمائيشش بكونن، و اى نيت ازش خواستن ئ معجزهء آسمونى نيشونمون به. ²مىن جواووشون گۇ: موقوع آفتو زردى ايگوين هوا خوه، چينوكه رى آسمون شره، ³و خروس خُون ايگوين امروز هوا خراوه چينوكه آسمون شره و گيرهديه. ⁴ئىسل شىرو زناكار، آيت ايخون، اما آيتى وشون داده نيبو بغيراز آيت يونس پيمبر. و اونون ول كردو ره خوشن رد. ⁵شاگردا وقتى هى ايرن اوور، يادشون ره واخشون نون وردارن. ⁶عيسى وشون گۇ آگاه بوئين كه از خميرمايهء فريسياو صدوقيا ديرى بگئين. ⁷اونو هى وا خوشون فكر ايكردن، كه وا خومون، نون تورديم. ⁸عيسى قهمى كه چشونه، وشون گۇ اى سست ايمونيل، سى چه يس نون هى فكر ايكونين كه يوردينه؟ ⁹سيچه نيقيهمين و يادتون نياو پنجتا نون و پنج هزار نفرو و چندتا زنبيل نونى كه جم كيردين؟ ¹⁰يا او هفتا نون و چهارهزار نفرو و چندتا زنبيل كه جم كيردين؟ ¹¹پ سيچه متوجه نيستين كه مو از نون حرف نيزنوم فقط ايگوم از خميرمايهء فريسيا و صدوقيا ديرى بكونين؟ ¹²اوسو متوجه ووين كه دربارهء تعليمات فريسيا و صدوقيا ايگو نه دربارهء خميرمايهء نون. ¹³وقتى عيسى و منتطقهء قيصرته فيليپ رسى، از شاگرداش پرسى، و گودهء مردم پسرانسان كيه؟ ¹⁴گودن بعضى يحيى غسل دهنده ايگون و بعضى ايلياو بعضى ارميا يا يكي از پيامبرا. ¹⁵وشون پرسى و نظر ايشا مو كيوم؟ ¹⁶شمعون بطرس جواو دا، تونى مسسيح، پسر خداى زنده! ¹⁷عيسى مىن جواوش گۇ، خوش و حالت شمعون گر يونا! چونكه اى حقيقتون جسم وخون وتو آشكار تكرد، بلكه پدرمو كه مىن آسمونه. ¹⁸موهم و تو ايگوم كه تونى بطرس و ستر اى بردو كليسا خومن ايساژم و دروازه ها جهنم سرش هيچ قدرتى تترن داشته بوون. ¹⁹كليدا پادشاهى آسمونين ايوم تو، هر چى سترزمين بندي مىن آسمون بسته ايبو و هر چى سترزمين واز بكونى مىن آسمون واز ايبو. ²⁰و شاگرداشن جم كردو منعشون كرد كه و هيچكس تگون هو مسيح هستو. ²¹و از اوسو و بعد عيسى شاگرداشن آگاه كردكه حقيقت يونه كه يره ارشليم و اچو از گفترون و علما دينى و كاھنا آزارواذيت زباد ايبينه و كشته ايبو و مىن روز سوم ايبوريسته. ²²اما بطرس وش گۇ، از تو دير با سروروم، تكنه اى خداوند كه همچى چى سى تو اتفاق بوفته! ²³اما هو و رگشت، و بطرس گۇ، از مو دير و اى شيطون تو جلو ره مونى، چونكه فكر تو انسانين و خدايى نيستن. ²⁴اوسو و شاگردا خوش گۇ، هر كى ايبو از مو پىروى بكنه، وا خوشن انكار بكنه و چو دارشن و دراره و دينا مو بياھه. ²⁵چونكه هر كى بخوھه جون خوشن نجات به، هون از دست ايه، اما هر كى و خاطر مو جوينشن از دست به، هون و دست اياره. ²⁶چه سود سى آدمى داره كه همه دنياں بره اما جوينشن از دست به؟ يا آدمى سى و دست اوردن جون خوش چه قدا ايكنه؟ ²⁷چونكه پسر انسان مىن جلال پدر خوش وا فرشتييل اياھه و هر كى سى اعمالش جزا ايه. ²⁸آمين و ايشا ايگوم كه بعضيا كه اچو واستانه تا پسر انسانن كه مىن پادشاهى خوش اياھه تبينن، مژه مرگن نيچشن.

شېش روز بعد، عیسی، پطرس و یعقوب و ګوش یوحنا ګیره و وا خوش ستر بلندی ټ ګوڅې و څلوت بُرد. ² ټاُموچو، جلو هامونو، رنگ رېش عَوّو ږوی: صورتش مټ آفتو ایډرڅښت، و ټاواساش منل نوری، سفید وُوین. ³ مین هَمی موقوع موسی و ایلیا جلو ټیا اونو ظاهر وُوین، و وایسی هی صحبت ایډرډن. ⁴ پطرس و عیسی ګو: ای سَرورم، بیتن ایما ایچو څوه. آتیرځوی، سه تا کپتر بسازیم، پکی سی تو، پکی سی موسی و پکی سی ایلیا. ⁵ هنی حرف پطرس مین دوتش بی که یه اُور ډرڅشونی اوی دُورشون ګیرد، و صدایی ازش اوی که ګو: یونه کُر عزیزمو که ازش راضیم، ګویش پګرېن. ⁶ و ا شینن ای صدا شاګرداش خلی تریسین، و و ری سترزمین وستن. ⁷ اما عیسی نریکشون وُوی، و دست ناهاد سترشون وګو: وبریستین و نترسین. ⁸ وقتی تیاشون واز کړن، دی هچکسین یغیر عیسی یدین. ⁹ وقتی از ګوه هی اویډن دون، عیسی اونون امر کرد: هرچی ډیدین سی کسی وازگو نکین، تا زمانی که پسر انسان از مُردیل وبریسته. ¹⁰ شاګرداش ازش پُرسین: سی چه علما دین ایګون که اول ایلیا و بیا به ¹¹؟ ځواو دا: البته که، ایلیا اباهه و همه چیم اصلاح ایکنه. ¹² اما و ایشا ایګوم که ایلیا اوی، اما هون تشناختن و هرچی خواستین واش کړن، هاُمو طَورم پسر انسان و دستشون آزار ایبینه. ¹³ اوسو شاګرداش قهمن که دربارۀ یحیی عسل دهنده هی گپ ایزنه. ¹⁴ تا وړگشتن تی جماعت، به میره ای اوی نریک عیسی و چلوش ژونی ری و ګو: ¹⁵ سَرورم، و کُرَم رحم کن. تشنج داره و خلی عذاو ایکشه. بیشترو وقتا ایوفته مین تش و او. ¹⁶ هون اوردم تی شاګردات، اما تیرسین شیفاش ین. ¹⁷ عیسی مین ځواوش ګو: ای نسل کم ایمون و از ره وړگشته، تا و کی واتون بووم و تحمیلون بُکنم؟ هُن بیارین تی مو. ¹⁸ عیسی و دیو نهیو ری، و دیو از کر ری و در و هامو لحظه کُر شفا پیدا کړد. ¹⁹ اوسو شاګردا اویډن تی عیسی و مین څلوت وش پُرسین: سی چه ایما تیرستیم او دیون و در کنیم؟ ²⁰ ځواو دا: چینوکه ایمونیتون کمه. آمین، و ایشا ایګوم، آتیر و اندازه یه دونه خردلی ایمون داشته بوین، ایترین و ای ګوه بګوین از ایچو جاوچا ووه و جاوچا ایوه و هیچ خواسته ای سی ایشا غیر ممکن نی. ²¹ اما این جنبو یغیر وزه و دعا و در نیره. ²² موقعی که مین جلیل دور یک جمع وُوین عیسی وشون ګو: پسر انسان، و دست مردم تسلیم کرده ایو. ²³ اونو هون ایکشین و هُو مین روز سوم ایویریسته، و شاګرداش خلی ناراحت وُوین. ²⁴ بعد هُو عیسی و شاګرداش و کفرناحوم رسین، مأمور مالیات دو درهم، اویډن تی پطرس وش ګون: استاد ایشا هم مالیات معبدن ایه؟ ²⁵ هُو هم ځواو دا: البته که ایه! تا پطرس رسی هونه، قبل از ایکه حرفی یزنه، عیسی وش ګو: شمعون پادشاه جهان، از چه کسای باج و خراج ایستون؟ از بچیل خوشون یا از آجیوئیل؟ چه ایګوی؟ ²⁶ پطرس ځواو دا: از آجیوئیل عیسی وش ګو: بَ بچیل مُعافن! ²⁷ اما و خاطر ای که ترنجونیمشون پُرو بال او و قلاو به. اوّلین ماهی که گردی، حلقش واز کن. سکه چهار درهمی ایجوری. وا هو سهم څوم و خوین یدشون.

¹میں هامو ساعت، شاگردا عیسیٰ جم ۋوین ڏور عیسیٰ وش ڳون، کی میں پادشاهی آسمون و همه گفتره؟² عیسیٰ ٽ بجه این ٻنگ یرد، ۋ ناھاد و سطلشون³ و ڳود، آمین و ایشا ایگوم تا تعقیر ٽکین ۋ مثل بچیل تووین، اصلن میں پادشاهی آسمون ره پیدا نیکنین.⁴ پ هرکی خوشین مثل ای بجه فروتن و افتاده ٽکنه، اصلا میں پادشاهی آسمون ره پیدا نیکنه.⁵ ۋ هر کی چونو بجه این و نوم مو قول یکنه، مون قول کرده.⁶ اما هر کی باعث ۋوه یکی از ای کوچیرتلو که ومو ایماندارن، یلغزن، سی ھو بهتره که ٽ سنگ آسپو و گپی و گردنش بندہ، و خوشن ته دریا غرق ٽکنه!⁷ وای و ای دنیا و خاطر لغزشاش؛ سی یو که تتری از لغزشا دیری ٽکنی، اما وای بر ھو که انجامشون ایہ.⁸ پ آیر دستت یا پات تون ایلغزونه، ھون قطع ٽکن ۋ وریش به و دیر، چونکه سی تو بهتره لنگ یا شل و زنده ای ابدی ره پیدا ٽکنی تا ایکه و دو دست یا دو پا میں ٽش ابدی پسته ۋوی.⁹ آیر ٽیت تون ایلغزونه، ھون یدرار ۋ یش و دیر، چونکه سی تو بهتره که وای ٽ تبه یری میں زنده ای ابدی تا وای دوتا تبه میں ٽش ابدی پسته ۋوی.¹⁰ ھواستون ٻوه که حتی یکی از ای کچیرتلن تحقیر و سیوک ٽکنی، چونکه و ایشا ایگوم که فرشتیل اینو هر روز میں آسمون صورت پدر مون که میں آسمونه ایبینن.¹¹ چونکه پسر انسان اوبه تا یلا ۋوین نجات بخشه.¹² چه فکر ایکنین؟ آیر پیای صدتا گوسفند داشته ٻوه ۋ یکیشون یلا ۋوه، آیا او نودو نه تان نیشون میں ڳوه بره دیندا او یکن ڳرده؟¹³ آمین و ایشا ایگوم که آیر ھون بجوره، خیلی بیشتر خوشحال ایۋوه سی او یکی تا او نودونه تا که یلا تووینہ.¹⁴ سی ھم چینو اراده پدرتون که میں آسمونه ھمیونه که حتی یکی از ای کوچیرتلو ھم از دست ٽرن.¹⁵ آیر ڳووت و تو ڳنه یرد، برو تیش و میون ٽتون ای مشکلون وش تذکر به. آیر حرفت قول یرد، دۋواره ڳوتین و دست اوردیه؛¹⁶ اما آیر قول ٽکرد یکی یا دو یقرن وای خوت بر، تا هر حرفی ۋوی وای گواهی دو یا سه شاهد اثبات ۋوه.¹⁷ آیر تخواست و اونو ھو گوش یگره، و کلیسا ٻگو. ۋ آیر کلیسانم قول ٽکرد، اوسو ھون غریبه یا اجنوی یدون.¹⁸ آمین و ایشا ایگوم هرچی ری زمین بوندین، میں آسمون پسته ایبو ۋ هرچی ری زمین بگشین میں آسمون ایگوشه.¹⁹ باز و ایشا ایگوم که ھرسا دو یا سه تا از ایشا ری زمین در مورد مسئلہ ای پرس ٽکنن، ۋ وای یک یکی ۋون، و تون ایگوم که تی پدر مو که میں آسمونه سی اونو و انجام ایرسه.²⁰ چینو که دو یا سه نفر و اسم مو ٽ جا جم ۋون مو ھاموچو میونشون ھستوم.²¹ اوسو بطرس ایوی تی عیسیٰ، ۋ وش ڳو، آقای مو تا چند بار آیر ڳووم و مو بدی ٽکنه، مو وای ھون بۋخشوم؟ آیا هفت بار؟²² عیسیٰ جواوش دا: و تو ایگوم نه هفت بار، بلکه هفتاد و هفت بار!²³ ایطوژنی ایتریم پادشاهی آسمون عین شاهی بگویم که تصمیم یره وای خادمونش تصوبه جساو ٽکنه.²⁴ پ وقتی شروع و جساو رسی یرد، یکنین اوردن تیش که ده هزار دینار بدکارش بی.²⁵ سی یو که ترست بدکارش یه، آرباوش فرمون دا ھون وای زن و بجه و داراییش یفروشن ۋ طلووشن ۋ صول ٽکنن.²⁶ خادم ره و ست و دست و پا آرباوش ۋ التماس کرد، گو ٽ وقت وم به تاطلوم تصوبه ٽکنم.²⁷ اوسو دل آرباو و حالش شو ۋ قرضش بخشی و آزادیش یرد.²⁸ اما وقتی خادم ھی ایره ودر، یکی از ھمکارا خوشین دی که صد دینار وش بدکار بی. پ ھون یره ۋ دست ناد بیخ ناش ڳو، جلدی قرصتن به!²⁹ ھم کارش و ست و دست و پاش ۋ التماس کرد ڳو، وم وقت یه تا قرصتن بوم.³⁰ اما ھو قول ٽکرد، ۋ ره ۋ ھون پست زندان تا قرصش یه.³¹ وقتی بقیهء خادما ای اتفاقن دیدن، خیلی ناراحت ۋوین، ۋ زن تی آرباوشون ای جریان وازگو یردن.³² آرباوم او خادمون خواست، ۋ وش ڳو، ای غلام شیطون صفت، مرمو و خاطر التماسات، تموم قرض تون تبخشیوم؟³³ آیا تو ھم تواسیتیکی و ھمکارت رحم ایکردی، ھامو طوژنی که مو و تو رحم یردم؟³⁴ پ آرباوشم خیلی یغیض ۋوی، ۋ پستش میں زندون تا شکنجه ۋوه ۋ ھمه قرض خوشن به.³⁵ ھمی طوژنی پدر آسمونی مو وای ایشا رفتار ایکنه ایر ایشا ھم ڳوتلئونن از ته دل تبخشین.

¹ وقتی که عیسی ای حرفاھون تموم کړد، از جلیل زی ودر، اُو بال آو اُرْدُن اوی مین منطقهء یهودیه. ²مردمون زیادی و دینداش وستن وړه و ھو ھم هاموچو اونون بښفا دا. ³قریسیا اوبن تیش تا ھون آزمایش بکنن، اونو پرسیین، ایبوه میره، زینهء خوشین و هر علتی طلاق به؟ ⁴عیسی مین خواوېشون گو، مَر تځوندینه که خالق جهان ز روز اول اونون ویردوزن آفرید، ⁵و گو: سی ھم چينو، میره بو وداشین وا ترک بکنه و زینه خوش پیبونده، و ھاردو ئ تېن ایبون؟ ⁶سی ھم چينو، ز اوسو و بعد اونو دی دو نیستن، چينو که ئ تېن ایبون. پ ھر چی خدا وصل کرده، آدمی جداس تکنه. ⁷وېش گودن، پ سیچه موسی قرمون دا میره طلاق نامه ای یده و دست زینه و ولش کنه؟ ⁸وېشون گود موسی و خاطر سنگدلی ایشا ای اجازه یون دا که زینه تونن طلاق یدین، ولی ز اول ایطور تېی. ⁹و ایشا ایگوم، هرکی زینه خوشن بغیراز خیانت مین زناشویی طلاق به و ئ زینه ای دبه بستونه، زنا کرده. ¹⁰شاگردا وېش گودن: پ آیر پیا در قوال زینه ایطوره، پ اصلا زینه تستونه بهتره! ¹¹عیسی گو: همه تترن ای کلومون قول بکنن، مَیر اونو که وېشون داده ووبه. ¹²چينو که بعضی خواجه ین، چونکه ز مین گم داشون چونو زاده ووبه؛ بعضیا و دست مردم خواجه ووبه؛ بعضیام و خاطر پادشاهی آسمون ری ازدواج تیه ایبتدین. هرکی ایتره یون قول بکنه، پلین چينو ووبه. ¹³اوسو مردم بچیل اوردن تی عیسی تا دست ینه قیدشون وُدعا بکنه. اما شاگردا مردین سترزینشت کردن. ¹⁴عیسی گود: پلین بچیل بیان تی مو و چلوېشون تگیرن، چينو که پادشاهی آسمون ز ای کسونه. ¹⁵پ دست ناد قیدشون و ز اوچو ره. ¹⁶ئ روز ئ میره ای اوی تی عیسی ووش گو: استاد، چه کارنیکوی انجام بوم تا زنده ای ابدی داشته بوم؟ ¹⁷جواو دا: سی چه درباره کار نیکو ز مو سوال ایکونی؟ تیا یکی هست که نیکوه. آیر ایخوی و زنده ای ابدی ره پیدا بکنی، وا حکم ھن آنجوم بی. ¹⁸او پیا پرسى: چه حکمایى؟ عیسی گو: قتل بکن، زنا نکن، دزدی نکن، گواهی دژو تیه، ¹⁹و بوت و دات احترام ینه، و ھمسات مثل خوت محبت بکن. ²⁰او چونو گو: همه ای فرمونا آنجوم ایوم؛ دی چه کم داژم؟ ²¹عیسی جواو دا: آیر ایخوی کامل ووی، برو هرچی داری بفروېش و ققبرا به که مین آسمون گنج داری. اوسو بیو مون پیژوی بکن. ²²چون چينو که یون قھمی، حالش گرده ووی، و ز اوچو ره، چينکه مالومنال زیادی داشت. ²³اوسو عیسی و شاگردا خوش گود: آمین و ایشا ایگوم، که ره جستن مالدار و پادشاهی آسمون خیلی سخته. ²⁴باز مُحکم ایگوم که رد ووبین ستر از سیلا سیزن راحتتره تا ره بُردن آدم مالدار و پادشاهی خدا. ²⁵شاگردا وا شنیین ای حرفها خیلی شوکه ووبین و گودن، پ کی ایتره نجات پیدا کنه؟ ²⁶عیسی تیه دژد وېشون و گود یو سی آدمی غیر ممکنه اما سی خدا همه چی ممکنه. ²⁷پطرس گو، ھمی حالا ھم ایما همه چینه ول کردیمه و ز تو ھی اطاعت ایکنیم. چه چی نصیومون ایبو؟ ²⁸عیسی وېشون گو، آمین و ایشا ایگوم او زمونی که مین جهان نو که پسر انسان سر تخت، پیروزمندانه بنشینه، ایشا که از مو اطاعت کردین، سر دوازده تا تخت ایبنشینین، و ستر دوازده تا قوم اسرائیل داوری ایکونین. ²⁹و هر کی و خاطر نوم مو، ھونه یا گو یا دبی یا بو یا دا یا بچیل یا ملکاشن ول کرده بوه، صد پراور ایجوره و زنده ای ابدی و دست ایاره. ³⁰اوسو خلیا که اوّلن آخر ایبون، و آخریا اول.

¹چينو که پادشاهی آسمون مثل صاحبواغی هستو که خروس خون زی ودرزه تا سی تاکیستونش کارگر روز میز یگره. ²هو وا اونوتوافق کرد، که روزی ئ دینارسی کاریشون مین تاکستون یشون. و اونون رد کرد ره مین تاکستون. ³نزدیکا ساعت ئه دوواره ره بیرون و ئ عهده این مین میدون شهر بیکار واستادین بی دی. ⁴و اونو هم گو ایضا هم برین مین تاکستان مؤ و هرچی میزون بووه، و تون ایوم. ⁵پ اونوهم رهین، نزدیک ساعت دوازده و سه هم ره ودر و چونو کرد. ⁶نزدیک ساعت پنج بعدازظهر دوواره ره ودر و ئ چند نفری که بیکار واستادن بی دید. ز اونو پرسى سیچه تموم روزن ایچو بیکار واستادینه؟ ⁷جواو دادن چینوکه هیچکس ایمانه سی میز تگرد. و اونوهم گو ایضا هم برین مین تاکستون مو کار بُکین. ⁸دم غروبی صاحبوا تاکستون و مواشیرش گو، جار کارگرا یزن و ز آخریشون شروع بُکن میز به تا و اولیشون. ⁹کارگرایی که تقریباً ساعت پنج اوین بی سرکارهر کی ئ دینار استید. ¹⁰چینو که نوبت و اینو رسی بی که جلوتر از همه اوین بی، گمون ایگردن که بیشتر از بقیه ایستون، اما هریکی از اونوهم ئ دینار گردن. ¹¹تا میزشون استین، شروع کردن و شکایت کردن، و صاحبوا باغ گودن: ¹²اینو که آخر اوین، فقط ئ ساعت کار کردن و تو اونون وایما که کل روزن زیر تش آفتو زحمت کشیدیم، برآور کردی؟ ¹³هو هم ری کرد و یکیشون گود: رفیق مو و تو ظلمی نکرڈم، مَر قرارمون ئ دینار تبی؟ ¹⁴پ حق خوتن یستون وِترو، مؤ ایخوم و ای آخری هم مثل تو میز بوم. ¹⁵مَر حق ناروم هرچی دلوم ایخو وایلا خوم بُکنوم؟ تیه دیدنه دست دل وازی مون ناری؟ ¹⁶پ آخریا اولی ایبون و اولیا آخر. ¹⁷وقتی که عیسی هی ایزه اورشلیم، مین ره دوازده شاگردش کیشی ئ کناری و ویشون گو: ¹⁸همی حالا ایژم اورشلیم، مین اوچو پسر انسانن و گپون کاهنا و علما دینی تسلیمش ایکن، اونو سی هو حکم مَرگش ایبرن. ¹⁹و قومون آجنوی این تا داوریش بُکن و شلاق بُخوره و و صلیب کشیه ووه، اما مین روز سوم ایوبرسته. ²⁰اوسو دا کرگل زیدی و دوتا کُرش ایوی تی عیسی و جلوش زونی زی، و ز هو خواست که آرمونیش برآورده بُکنه، ²¹عیسی پرسى: آرمونیت چنه؟ گو مستجاو بُکن که ای دوتا کُر مو مین پادشاهیت، یکی و طرف راستت و یکی و طرف چپت ینشینه. ²²عیسی مین جواوش گو: ایضا نونین چه ایخوین! ایضا ایترین از جامی که مو و همی زبی سَر ایکشوم، سَر یکشین؟ جواو دادن: ها ایتریم. ²³عیسی گو: شکى نی که از جام مو ایترین سَر یکشین، اما بدونین که نشستن و طرف راست و چپ مومین اختیار مو نیست تا هون و کسی بَخشوم، ای جایگاهو از کسونی هستو که پدژم سییشون آماده کرده. ²⁴چینو که ده تا شاگرد دی از ای اتفاقو آگا ووپن سر او دوتا گوو غصو کردن. ²⁵عیسی جاریشون زی وگود: ایضا ایدونین که حاکمون بقیه قومون سَر اونو سروری ایکن و گپیشون ویشون دستور این. ²⁶اما میون ایضا اینو تبوه، هرکی میون ایضا ایخوهه گپ ووه، و خادم ایضا ووه. ²⁷و هر کی از ایضا ایخوهه اؤل ووه و غلوم ایضا ووه. ²⁸هاموطور که پسر انسان توبد تا ویش خدمت بُکن، چینو که ایوی تا خدمت بُکنه و جوشن سی باها آزادی مین ره خیلاینه. ²⁹اوسو که عیسی و شاگرداش از آریحا ایزین ودرعهء زیادی وِستین و دینداشون. ³⁰ئ طرفی ره دوتا میرهء کور نشستن بی، تا آشنیدن عیسی از اوچو هی رد ایبو، قال و منقال کردن، گودن: سرورمون، وئی کُر داوود، وایما رحم کن! ³¹جمعیت جلوشون گردن و ازشون ایخواستن، که ساکت وون، اما اونو بیشتر قال و منقال کردن، وگودن: سرورمون، وئی کُر داوود، وایما رحم کن. ³²عیسی واستا، و او دوتان بُنگ کرد و پرسى: چه ایخوین سی ایضا بُکنوم؟ ³³جواو دادن، سرورمون ایخویم تیامون بُگشی. ³⁴عیسی دل سوزونه دست ناد سَر تیاشون و هامو دِمون بینایشون وِرگشت و وِستین و دینداش.

¹ وقتی که و اورشلیم نِزیک وُوبن وُ و بیت فاجی که دُون کوه بی رِسپن، عیسی دوتا از شاگردایش رِوونه کرد، ² وِشون فرمون دا: و دهاتی که جلو ریتونه برین، همیکه ایرین داخل، ته خربن واکره ش بسته اوچو ایجورین. اونون واکرنین و بیارینشون تی مُو. ³ آیر یکی حرفی و ایشا زی، بُگوبن: خدا ایخوشون وُهو بی دُنگ اونون ایفرسته. ⁴ ای امر وُست تا هرچی که پیامبر گوبی و حقیقت برسه که: ⁵ و دوور صهیون بگوبین، ها پادشاهت تی تو ایاهه، فروتن و افتاده و سُوار ستر خر، سر کره خر. ⁶ او دوتا شاگردو زدن و موافق فرمون عیسی آنجوم دادن. اونو خرن واکره اش اوردن وُ آباهاشون یستن سترش وُهو سر آباهه نشست. جمعیت زیادی آباهه خوشونین سر ره پهن کِردن و ته عهده ای یم ته زردین بُرین، مین ره پهن کِردن. ⁷ جمعیتی که جلوتر هی ایزدن و دسته ای که از دینداش هی ایوبین، بلند بلند جار ایزن ایگودن: هوشیعانا بر کُر داوود! موارکه وُهو که و نوم خدا ایاهه! هوشیعانا مین آسیمون بالایی! ⁸ تا وُهو اوی مین اورشلیم، شادی و شوق همه شهرین کِرد. مردم ایبرسین: یو کیه؟ ⁹ وُهو جماعت جُواو ایدان: یونه عیسی پیومتر، از ناصره جلیل! ¹⁰ اوسو عیسی ره مین معبد خدا و اونوی که اوچو هی خرید و فروش ایکِردن ره و در و تختا صرافونین و بساط کیموتر فروشان واری کِرد. ¹¹ وُهو و اونو فرمون دا: نوشته وُویه که هُونه مُون هُونه دعا ایخونین، اما ایشا هُون لونه ره زنا کِردیه. ¹² مین معبد، کورا و لنگون اوین تیش وُهو اونون نیفا بخشی. ¹³ اما چنوکه گپیل کاهنا و علما دینی کارا شگفت انگیز هُون دین و دیدن که بجیل مین معبد هی داد ایزن: هوشیعانا بر کُر داوود غصوناک وُوبن. ¹⁴ وُشو گون: ایشونفی هی ایگون چه؟ جُواو دا: ها. مَر نخودین که: و زوون بجیل و شیرخورتل شکرگذارین اُماده کردی؟ ¹⁵ عیسی اونون ترک کِرد و از شهر ره و در، و بیت عنیا ره و شو اوچو مند. ¹⁶ خروس خون عیسی مین ره و رگشتن و شهر گرسنش وُوی. ¹⁷ مین کناره ره، ته زرد انجیری دی و ره طرفش، اما دی درد فقط پَر داره. پ و زرد گوبی: ننگه که دی قه تو میوه ای و بار بیاها! مین هُمو لحظه زرد هُوشک وُوی. ¹⁸ شاگردا که واکرنین ای اتفاق حیرت کِردن بی، از وُهو پرسین: چطور زرد انجیر زی هُوشک وُوی؟ ¹⁹ عیسی مین جُواوشون و اونو گوبی: آمین، و ایشا ایگوم که آیر ایمون داشته بووین و شک نکنین، نه فقط ایزن هرچی سر زرد انجیر اوی آنجوم بین تلکوم هرسا و ای کوهو بُگوبن از جا کنده وُهو و یووقت مین دریا، ابطرونی ایووه. ²⁰ آیر ایمون داشته بووین، هرچه مین دعا ایخونین، ایجورین. ²¹ اوسو عیسی ره مین معبد و شروع و تعلیم مردم کِرد. مین هُمو وقت، گوبن کاهنان و شیخون قوم اوین تیش و گودن: و چه اجازه ای ای کاران ایکنو؟ کی ای اقتدازون و تو داده؟ ²² عیسی مین جُواوشون گوبی: مُو هم از ایشا سوالی داژم. آیر جُواوُم دایین، مُو هم و ایشا ایگوم و چه اقتداری ای کاراهون ایگونوم. ²³ عسل یحیی از کُوجه بی؟ از آسمون یا از انسون؟ اونو بین خوشون اختلات کِردن و گودن: آیر بُگوبم از از آسمون بی و ایما ایگوبی، پ سی چه و هُو ایمون توردین؟ ²⁴ و آیر بُگوبم از انسون بی، از مردم ایبرسیم. چنو که همه یحیی ن پیومتر ایدون. ²⁵ پ و عیسی جُواو دان: تونیم. عیسی گوبی: مُو هم و ایشا نیگوم و چه اقتداری ای کاراهون ایگونوم. ²⁶ یطر ایشا چنه؟ میره ای دوتا کُر داشت. ره تی کُر اولی و گوبی: کُرم امروز پُرو مین تاکستون مُو و و کار بُکن. ²⁷ جُواو دا: نیروم. اما بعد نظرش عوض وُوی و ره. ²⁸ بو ره تی کُر دیه و هُموتم و وُهو گوبی: کُر جُواو دا: ایرووم آقا، اما تره. ²⁹ گوبی از او دوتا کُر خواسته بوشون و جا اوردن؟ جُواو دان: اولی. عیسی وِشون گوبی: ایشا ایگوم که خراجگبرون و فاحشه یل قبل از ایشا و پادشاهی خدا ره پیدا ایکن. ³⁰ سی همیچونو که یحیی از ره پارسایی اوی تی ایشا اما و هُو ایمون توردین، اما خراجگیرا و فاحشه یل ایمون اوردن. اما ایشا وایکه یون دین، عقیدتون ول تکریدن و وِش ایمون توردین. ³¹ و ته مثلی دیه گوش بین. صاحو ته مُلکی تاکستونی خری و کاشت و دُوریش دیوار کیشی و چرخشتی مینش کند و برجی درست کِرد از او پس تاکستون و چند باغونون اجاره دا و خوش ره و سفر. ³² چینو که وقت زرو محصول رسی، نوکرا خوشین تی باغونون فرستا تا میوه هُون تحویل یگیرن. ³³ اما باغونون نوکرا هُون کِردن یکیشون زیدن و یکیشون کشین و سیومیشین هم سنگسار کِردن. ³⁴ دُواره نوکرا بیشتری تی اونو فرستا، اما باغونون و اونوهم هُموطور رفتار کِردن. ³⁵ سرانجوم کُر خوشین تی باغونون فرستا و تی خوش گوبی: حرمت کُرمین دارن. ³⁶ اما اوسو که باغونون کُرن دین و یک و دُور گوبن: یو وارته. بین هُون بُکشیمش و صاحو و میرانشیش وُوبم. ³⁷ پ هُون کِردن و از تاکستون کِردن و در، کشینیش. ³⁸ وای اوصاف، اوسو که صاحو تاکستون بیا وای باغونا هُو چه ایکنو؟ ³⁹ جُواو دان: او دما بی رحمون وای بی رحمی تموم نابود ایگوبه و تاکستون و باغونا دیه اجاره ایه تا میوه هُون مین فصلیش وِش یین. ⁴⁰ اوسو عیسی وِشون گوبی: آیا تا حالا مین کتاوا مقدس نخودینه که: بردی که معمارون رد کِردن، مهمترین برد او بنا وُویه. خداوند ابطورو کِرده و مین نظر ایما شگفت آوره؟ ⁴¹ پ و ایشا ایگوم که پادشاهی خدا از ایشا کِرده ایبو و و قومی دیه دایه ایبو که میوه هُون ین. ⁴² هرکی ستر او تر دُیوفته، هیرد ایووه، و هرسا او تر دُو ستر یکی بیوفته، هُون مین خوش ایشکیه. ⁴³ هُموسو که گپیل کاهنا و فریسیا مِلا عیسیان آشین، فهمین که و اونو هی صحبت ایگوبه. ⁴⁴ پ ایخواستین که گرفتارش بُکوبن، اما از مردم ترس داشتن چنوکه اونو عیسیان پیومتر ایدونین.

¹ عیسی دووارة وا مئل وا اونو صحبت کرد و فرمون دا: ² پادشاهی آسمون مثل شاهي ایقنه که سی کُر خوش جشن عروسی ویا کرد. ³ هو خادماشن رونه کرد تا و دعوتیا بگن و جشن بیاهن؛ اما اونو نخواستن بیاهن. ⁴ پ خادموئی دیه رونه کرد وگو: دعوتی یلن بگوبن همی حالا سفرهء جشنن آماده کردم؛ گایل وگوریل پرواریمن سر بریدمه و همه چی آماده هستوب و جشن عروسی بیاهن. اما اونو اعتنا نکردن و هر کی و ره خوش رد یکی سر زمینش؛ یکی و تجارت خوش. ⁶ دیگران هم خادمونش گرهدن آزار دادن و کشتن. ⁷ شاه تا یون آشنید غصوناک ووبد لشکرخوشن رونه کرد و قاتلون کشت و تش نهاد و شهرشون. ⁸ اوسو و خادموونش دستور دا: جشن عروسی آماده به؛ اما دعوتیل لیاقت اویدن مین هون ناشتن. ⁹ پ برین مین میدون شهر و هرکین جُستین و جشن عروسی دعوت بکنین. ¹⁰ غلامون رهدن مین کیچیل و هرکین که جُستن چه خو چه بد؛ وا خوشون اوردن و تالار عروسی ایز مهمون پرؤوی. ¹¹ اما اوسو که شاه سی دیدن مهمونا اوی مین میلس؛ میردین دی که آواسا عروسی ورش تبید. ¹² ایش پرسى: ای رفیق چطور بی آواس عروسی اوبدی ایچو؟ او میدرو جواوی ناشت. ¹³ اوسو پادشاه و خادمون خوش گود: دست و پایش بندین و هون بین و درمین تاریکی؛ جایی که گریه و دندون و دندون سایدن هستو. ¹⁴ چینو که دعوت ووبل زیادن اما برگزیدیل کم. ¹⁵ اوسو فریسیا زیدن ودر و شور کردن تا یترن چطور ایترن هون و حرفها خوش و تله ین. ¹⁶ اونو شاگردا خُشونین و هیرو دیا ژونه کردن رهدن تیش و گودن: استاد ایدونیم تو میرد صادقی هستی و ره خُدان و درستی یاد ایدی و ایز کسی ترسی ناری چینوکه ظاهری سیل کسی نیکنی. ¹⁷ پ رای خوتین و ایما بگوایا دادن خراج و قیصر روابه یا نه؟ ¹⁸ عیسی و فکر بدشون پی بردو گو: ای رباکارون سیچه مون ایازمایین؟ ¹⁹ سکه این که وا هُو خراج ایدین نشوئم یدین. اونو سکه ج دیناری وش داین. ²⁰ ایشون پرسى: تقش و نوم ای سکه یو ایز کیه؟ ²¹ جواو دادن: ایز قیصر. و اونو گود: پ مال قیصرن و قیصر بین و مال خُدان و خدا. ²² چینو که یون آشنیدن تعجو کردن و ولش کردن رهدن. ²³ مین هامو روز صدوقیا که قیومتن غوول نارن اوبدن طیش و ایش سوال کردن؛ ²⁴ گودن: استاد موسی و ایما دستور داده که آیر میره ای بی اولاد بمیره؛ گووش و بیوهون وزینه ای یستونه تا ایز هوسی گو خوش تسلی جا ینه. ²⁵ زَمونی میون ایما هفتا گو بیدن. گو اولی زینه اِستید و مُرد و چینوکه اولادی ناشت؛ زینه بیوه خوشن سی گوش ناها. ²⁶ همیطور دومى و سومى؛ تا هفتمى. ²⁷ سر آنجوم زینه هم مُرد. ²⁸ حالا؛ مین قیومت؛ او زینه یو؛ ایز هفتا گو زینه کُویشونه؛ چینو که همه اونو هون و زینه ای گردن بی؟ ²⁹ عیسی جواو دا: ایشا گمراه هستین؛ چینو که نه ایز کتاوا مفقدس آگاهین و نه ایز قدرت خدا. ³⁰ مین قیومت نه کسی زینه ایستونه نه کسی شیى ایکونه؛ چینو که همه مثل فرشتیل آسمون ایبوون اما درواره قیومت مُردیل؛ آیا تخوندینه که خدا و ایشا چه گوده؟ ³² هُو فرمون دا که: مو هستوم خدای ابراهیم؛ خدای اسحاق و خدای یعقوب؛ هُو نه خدای مُردیل چینو که خدای زندیله. ³³ مردم و آشنیدن ای سخنون هُو شگفت زیده ووبن. ³⁴ چینو که فریسیا آشنیدن که عیسی چطور و جواواش دُون صدوقیان بسته؛ دور یک جَم ووبن. ³⁵ یکی ایز اونو که عالمی بی و ای قصد که عیسان پ مین تله؛ ایش پرسى: ³⁶ ای استاد؛ گفتربن حکم؛ مین شریعت چنه؟ ³⁷ عیسی جواو دا: خداوند؛ خدای خوتون؛ و تمومى دل؛ تمومیچون و تمومیه فکرتون محبت بکنین. ³⁸ یو اولین و گفتربن حکم هستو. ³⁹ دومین حکم مثل حکم اولیه؛ هُمسایتین چینو جوت محبت بکن. ⁴⁰ تمومیه شریعت موسی و یوشتیل پیومیرا سَر ای دو جُکم ایاواسته. ⁴¹ هاموسو فریسیل که دور یک جَم بین؛ عیسی ایشون پرسى: ⁴² نظر ایشا در واره عیسی چنه؟ هُو گر کیه؟ جواو دادن: گر داوود. ⁴³ عیسی گو: پ چطور داوود مین روح؛ هون خداوند ایخوند؟ چینو که ایگو: ⁴⁴ خداوند و خداوند مو گود: و غ دست راست مُو بنشین تا اوسوی که دشمنوتن قالی زیر پات بکنوم. ⁴⁵ آیر داوود هون خداوند ایخوند؛ چطور هُو ایتره گر داوود یوه؟ ⁴⁶ ایطور ووی که هیچکس ترست جواو هون بده و ایز اوسو دیه هیچکس جرأت نکرد پرسشی وش بکنه.

¹اوسو عیسی خطاو و مردم و شاگردونش ایطور گود: ²غلامای دین و فریسیا ستر مسند موسی نشسته. ³پ هر چی وایشا ایگون یتهدارین و جا بیارین؛ اما عقلتون مثل اونو تبو؛ چونکه هرچی درس ایدن خوشون و جا نیارن. ⁴بارا جونگیرن ایبدن و شر کول مردم اینن؛ اما خوشون حاضر نیستن سی حرکت دادنشون حتی ئ انگشتی تگون ین. ⁵هر چی ایگنن سی یونه که مردم اونون بینن: آیه دوناوشون گفتر و دامنا عباشون پهنتر ایسازن. ⁶دوست دارن مین ضیافتا بالا نشین مجلس بوون؛ و مین کنیسه ها بهترین مکون داشته بون. ⁷و مردم مین کیچه بازار و شون سلام یکنن و استاد خطاوشون بکنن. ⁸اما ایشا استاد خونده تووین؛ چینه که فقط ئ استاد دارین؛ ⁹و همه ایشا گووین. هیچکسن ری زمین پدر نخوین؛ چینه که فقط ی پدر دارین که مین آسمونه. ¹⁰و همیطور نخوین معلم خونده ووین؛ چینه که فقط ئ معلم دارین که مسیح هستو ¹¹هو که میون ایشا از همه گفتره؛ خدمت کار ایشا ایبوه. ¹²چینوکه هر کی خوشن گپ بکنه؛ پست ایبوه و هر کی خوشن افتاده؛ بکنه ستر فرار ایبوه. ¹³وای وایشا ای عالما دین و فریسیا ریاکار؛ ایشا در پادشاهی آسمون ری مردم ایبدن؛ نه خوتون داخل ایووین و نه ایلین اونوی که مین ره هستن داخل وون. ¹⁴وای وایشا ای عالما دین و فریسیا ریاکار؛ ایشا از یطرف هونه رنگل بیون غارت ایکنین؛ و از اوطرف سی تظاهر؛ دعا خوتون طول ایدين. سی هم چینه مکافاتتون خیلی سخت تر ایبوه. ¹⁵وای وایشا ای عالما دین و فریسیا ریاکار؛ ایشا دریا و هوشکین گشتین تا ئ یفرن و دین خوتون بیارین؛ اوسو که اوردین هون دوبراور خوتون اولاد جهنم ایکنین. ¹⁶وای وایشا ای رهنمایان کور که ایگونن؛ آیر کسی و معبد قسم بخوره طوری نیست؛ اما آیر وطلا معبد قسم بخوره و ا و قسمش وفا بکنه. ¹⁷ای بی عقلا کور؛ کو و کی گفتره؟ طلا یا معبدی که طلان پاک ایکنه. ¹⁸و هامو طور ایگونن؛ آیر کسی و قربونگاه قسم بخوره طوری نیست؛ اما آیر و پیش کشی که سر هو ناهاده ایبوه قسم بخوره و وفا بکنه. ¹⁹ای کورون؛ کو و کی گفتره؟ پیش کشی یا قربونگاهی که پیش کشین پاک ایکنه. ²⁰پ او کسی که و قربونگاه قسم بخوره؛ عین یونه که و قربونگاه و هرچی سر هو هستو قسم خرده. ²¹و هر کی و معبد قسم بخوره؛ و معبد و هر چی مین هو هستو قسم خرده. ²²و هر کی آسمون قسم بخوره؛ و تخت خدا و هرکی سترش نشسته قسم خرده. ²³وای وایشا ای عالما دینی و فریسیا ریاکار؛ ایشا از نعا و شوبود زیره ده یکتون ایدين؛ اما حکما مهتر شریعتن که عدالت و رحمت و امانت هستو؛ نا دیده ایگیرن؛ اینون و ا و جا ایوردین واونون یادتون نیر. ²⁴ای رهنمایان کور؛ ایشا پشقن و صافی رد ایگونین؛ اما سترن ئ جا فورت ایدين. ²⁵وای وایشا ای عالما دینی و فریسیا ریاکار؛ ایشا دور پیاله و بشقاو پاک ایکنین؛ اما داخلش پُر از طمع و ناپرهیزیه. ²⁶ای فریسیه کور؛ اول داخل پیاله و بشقاو پاک بکن که بیرونش خوش پاک ایبوه. ²⁷وای وایشا ای عالما دین و فریسیا ریاکار؛ ایشا مثل گورهای هستین؛ بیفی کاری وویه که از بیرون قشنگ و نهر ایاهین اما داخلش پُر هست از استخونها مُردیل و هر نوع نجستی. ²⁸و ای صورت ایشا خوتون تی مردم درستکار نشون ایدين؛ اما مین باطنتون پُر از ریاکاری و شرورتین. ²⁹وای وایشا ای عالما دین و فریسیان ریاکار؛ ایشا سی پیومبرا زریح درست ایکنین؛ و ارومگاه درستکارین زینتی ایگونین ³⁰و ایگونن؛ آیر مین روزگار پدرامون بیدیم؛ هیچوقت مین گشتن پیومبرا واشون شیریک نبؤویدیم. ³¹ایطوژنی و ضد خوتون شهودی ایدين؛ که اولاد قاتلون پیومبراین. ³²حالا که ایطوره؛ پ هر چی که بوتلتون شروع کردن؛ ایشا و کمال رشنیدن. ³³ای مارون؛ ای افعی زادیل؛ چطور از چرای جهنم فرار ایکنین؟ ³⁴چینوکه مو انبیا و حکما و عالما تی ایشا رونه ایکنم و ایشا بعضیاشون ایکنشین و صلیب ایکنشین؛ و بعضیاشون مین کنیسه ها شلاق ایزنین و شهر و شهر دینداشون ایرین. ³⁵پ همه خین درستکارا که سر زمین رده وویه؛ از خین هایل درستکار یگر تا خین زکریا گر برخیا؛ که مابین محراب و قربونگاه گشتینش؛ و گردن ایشانه. ³⁶آمین و ایشا ایگوم؛ همه اینو دامنگیره ای نسل ایبوه. ³⁷ای اورشلیم؛ ای اورشلیم؛ ای قاتل پیومبرا و سنگسار کننده رسولایی که تی تو رونه کرده ووین؛ چند ولا خواستم مثل مرغی که تیلیلیش زیر پر و بالش جمع ایگونه؛ بتلتن جمع بکنوم اما نخواستی. ³⁸حالا دیه هونه ایشا و خوتون ویرون کرده داده ایبوه. ³⁹چینوکه و ایشا ایگوم دی از حالا و بعد مون دی نیبیین تا روزی که بگوین؛ موارک هست هو که و نوم خدا ایاهه.

¹اوسوکه عیسی از معبد رد؛ و زه خوش رد؛ شاگردونش اوبدن تیش تا نظارشن ویناها معبد جلب بکنن. ²عیسی وشون گود: همهه ایئون اییین؟ آمین و ایشا ایگوم؛ بَرِدی سَر بَرِدی دی نیقنه؛ و همهه ایریسن وازی. ³عیسی وقتی سَر کوه زیتون نیشست بی؛ شاگردونش مین خلوت اوبن تیش؛ گودن: و ایما بگو ای وقایع کی اتفاق اییوفتن و نشونهه اوبدن تو و تموم ووبن ای عصر چنه؟ ⁴عیسی جواو داد: هوشیار بوبن که کسی گم رَهتون نکنه. ⁵چینو که خلیا و اسم مو ایاهن و ایگون؛ مُو مسیح هسُم. و خلیان گم ره ایکنن. ⁶همی طور هم دروارهه جنگها ایتشین و خور جنگا و گوشتون ایرسه؛ اما پریشون توبن؛ چینو که؛ چینو وقایعی واید رخ بدن اما هنی و پایون ترسیده. ⁷و قومی سَر قومی دیه و حکومتی سَر حکومتی دیه ایوبرسته. و قحطیا و زلزله ها جاها مختلف ایاهه. ⁸اما همهه اینو تاره اول درد زایمون هستو. ⁹مین او زمون ایشان تسلیم ایگون تا آزار زیادی یوبین؛ و ایشان ایکنن. همهه قوما سی اسم مو از ایشا نفرت پیدا ایکنن. ¹⁰مین او روزها خلیا زایمون خوشون ری ایورگردون؛ و یک و دور خیونت ایکنن. و از یک و دور متفر اییون. ¹¹پیومبرون دُوروی زیادی ایوبرستن؛ خلیان گمزه ایکنن. ¹²و خاطر زیاد ووبن شرورت؛ محبت خلیا و سردی ایره. ¹³اما هرکی تا آخر و پاش یقنه نجات پیدا ایگونه. ¹⁴ای بشارت پادشاهن مین سرتاسر جهان اعلام کرده اییوتا شهادتی سی همهه قومها بوه. اوسو آخرش دی ایرسه. ¹⁵پ هر چینه که دانیال نبی مکروه و پرونگر نوم ناهاده مین او جا مُقدس بلند کرده اییوخونده دقت بکنه. ¹⁶اوسو دی هرکی مین یهودیه بوه؛ و کوه فرار بکنه؛ ¹⁷و هرکی سَر بوم هونه بوهه سی ورکیدن هیچی؛ دُون نیاها؛ ¹⁸و هرکی مین مزارع بوهه سی ورکیدن قواش و هونه تورگرده. ¹⁹وای و رَنگل حامله وداپل شیرده مین او روزها؛ ²⁰دعا بکنن که فرار ایشا مین زمستون یا مین روز شبات نبوه. ²¹چینو که مین او زمونو چینو مَصیوت گپی اتفاق اییوفته که مثل هُو از شروع ای جهان تا حالا اتفاق توسته؛ و هیچوقت دیه نخواهد افتاد. ²²آبر او روزها کوتاه نیووبن هیچ بشری جون سلام و در نیفرد؛ اما و خاطر برگزیدیل کوتاه اییون. ²³مین او زمون؛ آبر کسی و ایشا بییل بگون مسیح ایچونه؛ باور بکنن. ²⁴چینو که مسیح کاذو و پیامبرا دُورگو ایوبرستین آیات و معجزات زیادی نشون ایون تا آبر ممکن بوه برگزیده هانم گمزه ایگون. ²⁵بییل بگونین جلوجل و ایشا گودوم. ²⁶پ آبر و ایشا بگون هُو مین بیایونه و اوچو ترین و آبر بگون مین آندرونی هونه باور نکینن. ²⁷چینو که متی تش برق مین شرق آسمون ایدرایه و نورش تا و غرب ایرسه ظهور پسر انسان هم ایطور اییوهه. ²⁸هرجا لاشه ای بوه لاشخورا اوچو جمع اییون. ²⁹فوری بعد از مَصیوت او روزا آفتو تاریک اییوه و مه دی نوری تتره یزنه؛ ستاریل از آسمون ایریسن و گل و نیروها آسمون ایریسن و گل و نیروها آسمون و لرزه ایدراین. ³⁰اوسو دیه نشونه پسر انسان مین آسمون ایدرایه و همهه قومون جاها و سینه خوشون ایرین، و پسر انسان اییین که و قدرت و جلال عظیم سَر اُورا آسمون ایاهه. ³¹هُو فرشتیل خوشن و صدای بلند شیپور رُونه ایکنه و اونو برگزیدیل هُون از چارگوشه جاها، از ای سَر آسمون تا او سَر دیش ایارن. ³²حالا از درِانجیر ای درشون بگرین و محض ایکه شاخلش چونه ایرین پرک و پر ایه، و ایفهم که ئوستون یزیکه. ³³و همیطور، هرسا ای چیا هُون اییین، ایفهم که هُو یزیک بلکیم دم دره. ³⁴آمین، و ایشا ایگوم، تا اینو همهه اتفاق نیوفتن، ای نسلواز میون نیرن. ³⁵آسمون و زمین زایل اییون، اما سخنون هُو هیچوقت روال نیذیرن. ³⁶هیچ کس او روز و ساعتون ئونه و غیرا پدر، حتی فرشتیل آسمون و پسرهم از هُو آگاه نی. ³⁷زموئه ظهور پسر انسان مثل روزگار نوح هستو. ³⁸مین روزا قبل طیفون قبل از اوسو که نوح پره مین کشتی، مردم ایخردن و اینوشین و زینه ایستین و شی ایکیدن. ³⁹و ئونستین چه پیش ری دارن تا ایکه طیفون ایوی و همن و خوش بُرد، ظهور پسر انسان هم همیطورو هستو. ⁴⁰از دو میره که مین زمین هستین، یکی ورگیده اییو و یکی ایقنه. ⁴¹و از دو زینه که وای یک هی دستاس ایکنن یکی ورگیده اییو و یکی ایقنه. ⁴²پ بیار بوبین چینو که ئونین سرور ایشا چه روزی ایاهه. ⁴³ئون یدونین که آبر صاجو هونه ایدونست چه روزی ایاهه، بیار ایقند و نیلشت و هوتش دستبرد یزین. ⁴⁴پ ایشاهم اُماده بوبین، چینو که پسر انسان مین ساعتی ایاهه که انتظارش نارین. ⁴⁵پ او غلوممه امین و دانا کیه که ارباوش هُون و سرپرستی هونواده خوش ناهده تا خوراک اونون و موقع یه؟ ⁴⁶خوش و حال او غلومو که وقتی ارباوش ایاهه هُون مشغول ایکارو بیئه. ⁴⁷آمین و ایشا ایگوم، که هُون سَر همهه ما پملک خوش ایینه. ⁴⁸اما آبر او غلومو، شربر بوه و وا خوش بگو که ارباوم دیر کرده، ⁴⁹و همکارون خوشن آزار برسونه و میگساری بکنه و مشغول خردن و نوشین بوه. ⁵⁰اوسو ارباوش مین روزیکه انتظارش ناره و مین ساعتی که ئونه ایاهه. ⁵¹و هُون از وسط نصف ایکنه، و اییشون قاطی ریاکارون هموچو که گریوه و دندون و دندون ساییدن هستو.

¹مین او روز، پادشاهی آسمون عین ده یکر ایبو که چراشون وږگین، سی خوش آمدی دوماډ رهن سی استقوالش و ډر. ²پین یفر از اونو دونا و پین یفر دپه نادون بین. ³یکریل نادون چراشون وږگین، اما روغن و خوشون ټږین. ⁴اما دونايل، و چرا خوشون ډرف پړ روغن هم ټږین. ⁵چون اوبدن دوماډ دیر ووی، همه تیلشون سنگین ووی، و خوشین. ⁶مین نیمه شو، صدای بلندی و گوش ابرسی که ایگود: دوماډ هی ایا! و خوش آمدی هو برین! ⁷اوسو همه باکریل بیار ووی و چراهاشون اوماده کړین. ⁸نادونیل و دونايل گودن: په ډره از روغتون و ایما بین، چون چراها ایما هی خاموش ایوه. ⁹اما دونايل خواو دان: نیدیتون، چینوکه روغن سی همه ایما کفاف نیه. یرین و از اونو که ایفرویشن سی خوتون یخړین. ¹⁰اما اوسو که اونو رهدن بی روغن بخرن، دوماډ رسی و یکرلی که آماده بین، و هو و مهمونی عروسی رهدن و در بسته ووی. ¹¹بعداز هو، یکرل دپه هم رسین و گوهدن: سرور ما، سرورما، ډرن سی ایما واز کن! ¹²اما هو و اونو گود: آمین، و ایشا ایگوم، مو ایشان نیشناشوم. ¹³پ بیار بوین، چونکه از او روز و ساعت جوړ نارین. ¹⁴همپطور پادشاهی آسمون عین میره ای اقمته که قصد سیفر داره. هو خادمین خوشین خواست و پیلایش و اونو دا. ¹⁵و اندازه قاولیته هر خادم، و یکی پښتا قنطار دا، و یکی دو و وایوکی په قنطار. اوسو ره سفر. ¹⁶میره ای که پښتا قنطار گړهده بی، فوراً و هو کار کړد و پښتا قنطار دپه سود کړد. ¹⁷و همی طریق هو که دو قنطار دپه هم گړهده. ¹⁸اما هو که په قنطار گړهده بی، ره و زمین کند و پیل اربایشین قام کړد. ¹⁹بعد از چند وقت، ارباب او خادمینو وږگشت و از اونو جساو خواست. ²⁰میره ای که پښتا قنطار گړهده بی، پښتا قنطار دپه هم و خوش اورد و گو: سرورم، و مو پښتا قنطار دای، یوهم پښتا قنطار دپه که سود کړدم. ²¹اروايش خواو دا: آفرین، ای خادم درستکار و امانت دار! مین چی کم امین بیدی، پ تون مین چیا زیاد اینوم. یو و مین خوشی ارواوت شریک بو! ²²خادمی که دو قنطار گړهده بی هم اوی و گو: و مو دو قنطار دای، یوهم دو قنطار دپه که سود کړدم. ²³اروايش خواو دا: آفرین، ای خادم درستکار و امانت دار! مین چی کم امین بیدی، پ تون و چیل زیادی اینوم. یو و مین خوشی ارواوت شریک بو! ²⁴اوسو خادمی که دو قنطار گړهده بی، نریک اوی و گو: چینوکه ایدونستوم مرد ټندی هستی، از جایی که نکاشته ډرو ایکونی و از جایی که ټفشیدیه جم ایکونی، ²⁵پ تریستوم و پیلین مین زمین قام کړدم. ئ هم پیل! ²⁷²⁶اما سرورش خواو دا: ای خادم بدکاره و بی عار! تو خو ایدونستی از جایی که نکاشتمه، ډرو ایکنوم و از جایی که ټفشگنیومه، جمع ایکنوم، پ سیچه پیل مون نادی صرافا تا چینو که وږگشتوم هون و سودش بستونوم؟ ²⁸او قنطارن از هو بستونین و هو که دها قنطار داره بدین. ²⁹چینوکه و هرکی داره، بیشتر داده ایبوتا و فراونی داشته بووه! اما هو که ناره، هامونم که داره از ش گړهده ایبو. ³⁰ای خادم بی فایده یون بینش و در مین تاریکی، جایی که گریوه و دندون و دندون ساییدن هستو. ³¹اوسو که گرانسون و شکوه و جلال و همراهی همه فرشتیل ایا، سر تخت شکوهمند خوش اینیشینه ³²و همه قومون جلوش حاضر ایبوون و هو مثل شوونی که گوسفندیلن از بزل جدا ایکنه، مردمون و دو گروه تقسیم ایکنه! ³³گوسفندیلن اینه سمت راستش و بزلگن اینه سمت چپ خوش. ³⁴اوسو و اونو که سمت راستش ایگو: بیا، ای برکت گردیل از پدر مو، پادشاهین و ارث ټږین که از شروع جاهان سی ایشا آماده ووی. ³⁵چینوکه گسنة بیوم، وم خوراک دادین: تشنه بیوم، وم آو دادین: غریو بیوم، وم جا دادین. ³⁶غریون بیوم، مون پوشنیدین: مریض بیوم، عیادتم کردین: مین زندان بیوم، و دیدم ایویدین. ³⁷اوسونیکوکارا خواو این: سرورایما، کی تون گسنة دیدیم و وت خوراک دادیم، یا تشنه دیدیم و وت آو دادیم؟ ³⁸کی تون غریو دیدیم و وت جا دادیم ویا غریون دیدیم و تون پوشنیدیم؟ ³⁹کی تون مریض یا مین زندون دیدیم و دیدنت اوبدیم؟

⁴⁰پادشاه مین خواوشون ایگو: آمین، و ایشا ایگوم، هرچی سی یکی از ای کچیریل ترین گویل مو کردین، در اصل سی مو کردین.

⁴¹اوسو و اونو که سمت چپش ایگو: ای ملعونیل، از مو دیر ووی و مین تش ابدی برین که سی ابلیس و فرشتیلش آماده ووی،

⁴²چینوکه گسنة بیوم، خوراک نادین، تشنه بیوم، آو نادین: ⁴³غریو بیوم، جا وم نادین: غریون بیوم، مون پوشنیدین: مریض و زندونی بیوم، و دیدم نویدین. ⁴⁴اونو خواو این: سرورمون، کی تون گسنة و تشنه و غریو عربون و مریض و مین زندون دیدیم و خدمت نکردیم؟ ⁴⁵مین خواوشون ایگو: آمین، و ایشا ایگوم، هرچی سی یکی از ای کچیریل نکردین، در اصل سی مو نکردین. ⁴⁶پ اونو و مجازات ابدی داخل ایبوون، اما نیکوکارا و حیات ابدی.

¹چینوکه عیسی همه ای صحبتان تموم کرد، و شاگردیل خوش گو: ²ایدونین که دو روز دی، عید پسخ ایرسه و پسر انسانن تسلیم ایکنن تا بره سر صلیب. ³پ سران کاهنون و مشایخ قوم مین کاخ کاهن اعظم که نومش قیافا بی، جمع ووبن ⁴و شور کردن که چطور وا حيله، عيسان دستگیر بکنن و بکنش. ⁵اما ایگدن نه مین روزا عید، یوقتی مردم بلند ایبون. ⁶مین هامو وقت که عیسی مین بیت عتیا مین هونه شمعون جذامی بی، ⁷زین ای وا دَرَف مرمری از ی عطر گرون قیمت ایوی تیش و اوسو که عیسی سر شرفه نشست بی، عطرین رهد مین سَرش. ⁸شاگردونش تا یون دیدن عصبانی ووبن، گودن: ⁹ای اسرافو سی چنه؟ ای عطرین ایوی خیلی گرون بفروشی و بیلش و فقیرون بی. ¹⁰عیسی قهیمست و گود: سی چه ای زین یون دلخور ایکنین؟ هو کار درستی در حق مو کرده. ¹¹فقیرون همیشه وا خوتون دارین، اما مون همیشه تترین داشته بون. ¹²ای زین یو وا رهدن ای عطر سر یدن مو، در اصل مون سی خاکسپاری آماده کرده. ¹³و راستی و ایشا ایگوم مین تموم جاهان، هر جا که ای انجیل خونده ووه، کار ای زین یو هم و یاد هو وازگو کرده ایبو. ¹⁴اوسو یهودا آسخریوطی که یکی از او دوازده شاگردو بی، رهد تی گپیل کاهنون ¹⁵و گو: چه ایدین مو ایر عيسان و ایشا تسلیم بکنوم؟ ب اونوهم سی تا سکه نقره ویش دادن. ¹⁶از اوسو دی، یهودا دیندا فرصت ایگشت که عيسان تسلیم بکنه. ¹⁷مین روز اول عید فطیر، شاگردون ایدن تی عیسی و پُرسین: کچن ایخوی سیت آماده بکنیم تا شم پسخن بخوری؟ ¹⁸هو و اونو گود که مین شهر، برن تی فلون کس و ویش بگون: استاد ایگو: وقت مو نریک ووبه. ایخوم پسخن مین هونه تو وا شاگردونوم یگروم. ¹⁹شاگردا هامو طور که عیسی گود بی، کردن و پسخن آماده کردن. ²⁰شو ووی و عیسی وا دوارده شاگردش نشست سر شرفه. موقع خردن شوم، عیسی گود: آمین، و ایشا ایگوم، یکی از ایشا مون تسلیم دشمن ایکنه. ²³عیسی جواو دا: هوکه دست خوشن وا مو مین پیاله ایبوره، هو مون تسلیم ایکنه. ²⁴پسر انسان هامو طور که در وازه اش نوشته ووبه، ایره، اما وای و حال هوکه پسر انسانن تسلیم دشمن بکنه. بهتر بی که هیچ موقع زمار نیووی. ²⁵اوسو یهودا، تسلیم کنده هو، مین جواو گو: استاد، آیا هو مونوم؟ عیسی جواو دا: تو خوت گودی! ²⁶چینو که هنی مشغول خردن بیدن، عیسی نونن گرهد و بعد از شکر کردن، پاره کرد و و شاگردونش دا و فرمون دا: پستونین، بخورین: یونه یدن مو. ²⁷اوسو گیلای شراون گرهد و بعد از شکر کردن هون و شاگردونش داد و گود: همه ایشا از یو بنوشین. ²⁸یونه خین مو سی عهد تازه که و خاطر خلیلا و خاطر آمرزش گنه هاشون رهده ایبو. ²⁹و ایشا ایگوم از ای محصول مو دی نینوشوم تا روزی که هون وا ایشا مین پادشاهی پدژم، تازه بنوشم. ³⁰اوسو بعد از خوندن آوازی، و سمت کوه زیتون و ره وستین. ³¹اوسو عیسی و اونو گود: امشو همه ایشا و خاطر مو لغزش ایخورین. چینو که نوشته ووبه، شوواین ایزنوم و گوسفندون گله پرویش ایوون. ³²امابعد از هو که زنده ووبوم، جلوتر از ایشا و جلیل ایروم. ³³پطرس مین جواوش گو: حتی ایر همه و خاطر تو یلغزن، مو اصلن نیلغزم. ³⁴عیسی ویش گود: آمین، و تو ایگوم که همی امشو، قبل از بنگ خروس، سه ولا مون انکار ایکنی!

³⁵اما پطرس گو: حتی ایر لازم بو وا تو ایمیزم، انکارت نیکنوم. بقیه شاگردون هم همی یون گوهدن. ³⁶اسو عیسی وا شاگردون خوش ره مین مکنونی و نام چستیمانی و ویشون گود: ایچو پشیشین تا مو پرم اوچو، دعا بکنوم. ³⁷اوسو پطرس و دو گر زیدی ن وا خوش برد و ناراحت و مضطرب ووبی، ویشون گو: از ناراحتی، و حال مرگ وستوم. ایچو یقینن و وا مو بیار بوین. ³⁹اوسو کمی جلوتر ره و وست ری خاک و دعا کرد: ای پدر مو، آیر ایو ای جام از مو بگرزه، اما نه و خواست مو، بلکه و اراده تو. ⁴⁰اوسو ورگشت تی شاگردیلش و دی اونو خوون. اوسو و پطرس گو: تیرستین ساعتی وا مو بیار یمنی؟ ⁴¹بیار بوین و دعا کنین تا مین آرمایش نیوقفین. روح مشتاقه، اما بدن ناتوانه. ⁴²اوسو په بار دی ره و دعا کرد: ای پدر مو، آیر نیو ای جام تخرده از مو بگرزه، په هو که اراده تونه ووه. ⁴³چون ورگشت، همی طور اونون مین خوو دی، چون تیشون سنگین ووبه بی. ⁴⁴اوسو په بار دی اونون و حال خوشون ناد و ره سی سومین بار همو دغان تکرار کرد. ⁴⁵اوسو ایوی تی شاگردیلش و ویشون گو: هنی خوون و استراحت ایکنین؟ الان ساعت مقرر نریک و پسر انسان و دست گناهکارون تسلیم ایبو. ⁴⁶ویرستین، بریم. حالا تسلیم کنده مو از ره ایرسه. ⁴⁷عیسی هنی حرف ایزی که یهودا، یکی از او دوازده نفر، وا گروه گپی مسلح و چماق و شمشیر، از سمت سران کاهنون و مشایخ قوم، از ره رسین. ⁴⁸تسلیم کنده هو و اونو که وایش بین علامت دا و گوهده بی: هو که ایوسومیش همونه، هون بگیرین. ⁴⁹اوشو بی درنگ و عیسی نریک ووبی و گو: سلام استاد! و هون بوسی. ⁵⁰عیسی ویش گو: ای دوست، کارین بکن. اوسو او آدمیل اوین جلو، ریسستین سر عیسی و هون گرهدن. ⁵¹هموسو، یکی از اونو که وایش عیسی بی دست برد سی شمشیر، هون کیشی و ضربه ای و نوجه کاهن اعظم زی و گویشین بُری. ⁵²اما عیسی و هو دستور دا: شمشیرین غلاف کن! چون هرکه شمشیر کیشی، و شمشیرم ایمیره. ⁵³فکر ایکنی تتروم همی حالا از پدر خوم بخوم که بیشتر از دوازه فوج فرشته سی کمک بفرسته؟ ⁵⁴اما اوطورونی پیشگوی کتب مقدس چطور انجام ووه که ایگو ای اتفاقا وای بيفته؟ ⁵⁵اوسو، ری و او جماعت گو: مَر مُو راهزنوم که و چماق و شمشیر اوین مون بگیرین؟ مو هر روز مین معبد اینشستوم و تعلیم ایدام و مون بگردین. ⁵⁶اما همه ای اینو اتفاق وست تا پیشگوی پیامبران اتفاق بيفته. اوسو همه شاگردیل ویش کردن، فرار کردن. ⁵⁷اونو که عیسی ن گرفتار کردن بی، هون بُردن تی قیافا، کاهن اعظم. اوچو علمای دین و مشایخ جمع بین. ⁵⁸اما پطرس دیرادیر عیسی هی ایره تا وه دراستون هونه ی کاهن اعظم رسی. ره داخل و نشست تی نگهونا تا سرانجوم کارن بینه. ⁵⁹گپیل کاهنون و تموم اهل شورا دیندا ی شاهد ژری بر علیه عیسی بیدن تا هون بکنش. ⁶⁰اما وای حال که شاهدا ژرگو زیادی جلو ایدن، چینو چی جسته تووی. سرانجوم دو نفر ایدن جلو ⁶¹گوهدن: ای مَرْد گوده، مو ایترم معبد خدان خراو بکنوم و مدت سه روزاز تو بساژمش. ⁶²اوسو کاهن اعظم ویرستا و خطاو و عیسی گود: «هیچ جواوی نیگوی؟ یو چنه که ور عتله تو شوهدوت این؟» ⁶³اما عیسی ها مو طور ساکت قند. کاهن اعظم ویش گو: و خدای زنده قسیمی ائوم که وایما بگوی ای تو مسیح پسر خدا هستی؟ ⁶⁴عیسی جواو دا: تو خوت ایطور ایگوی! و ایشا ایگوم که از ای و بعد پسر انسانن ایبنین که و دست راست قدرت نشسه و سَر اورا آسمون ایباهه. ⁶⁵اوسو کاهن اعظم یقه خون یدر و گو: کَرَف هون ایشیدین، ⁶⁶حکم ایشا چنه؟ مین جواوش گودن سیراش مرگه! ⁶⁷اوسو توف پستن مین ری عیسی، زیدیش. بعضیاشون ویش سیلی زیدن، ⁶⁸ایگودن: ای عیسی، غیو بگو کی تون زی؟ ⁶⁹و اما پطرس دم هونه مین حیاط نشست بی که کنیری ایوی طیش و ویش گو:

تو هم وا عیسی جلیلی بیدی؟⁷⁰ اما هُو جلو همه حاشا کِرد و گُود: ئونوم ایگُوی چه!⁷¹ اوسو و سمت سرسرای هونه رد اوچو هم کنیزی دیه هُون دی و همه گُو: ای میره یو هم وا عیسی ناصری بید.⁷² پطرس ای بار هم حاشا کرد، قِسم خرد که مُو ای میره یون نیشناسوم.⁷³ یکم بعد جمعی که اوچو واستادن بی اوین جلو و پطرس گُودن: شکی ناریم که توهم یکی از اونو هستی از لهجت ات پیدایه.⁷⁴ هاموسو پطرس لعنت کردن شروع کرد و قِسم خرد که ای میره یون نیشناسوم هامو لحظه خروس بُنگ گُود.⁷⁵ اوسو پطرس سخنون عیسان یادش اوی که گو بی: قبل از بنگ خروس سه ولا مُون انکار ایگُنی! ره و در و گریوه تَهلی کِرد.

¹ضوی، همه گپیل کاهنون و مشایخ جم وویں، وایک شور کردن که عیسان بُگُشن. ²پ هون دست بسته بُردن و پیلانس والی تحویل داین. ³چینو که یهودا، تسلیم کننده ی هودی که عیسانه محکوم کردن، از کرده ی خوش پشیمون وویو سی تا سکه ی تُرقین و سترون کاهنون و مشایخ ورگردوند اُگود: ⁴گنه کِرڈم باعث رهدن خین ی بی گنهی وویوم. اما اونو جوواو داین: وایما چه؟ خوت ایدونی! ⁵اوسو یهودا سیکیلن مین معبد رهد و گیل و زی و در، خوشن خلق آویز کرد. ⁶سترون کاهنون سیکیلن از ری گیل جم کردن، گودن: رهدن ای سیکیلو مین خزینہ معبد درست نیست، چینو ک خین بهایه. ⁷بعد از شور کردن، زمین کوزه گرن و او پیلو خرین تا هُین گورستونه غریوتل سازن. ⁸سی همچینو او جاهو تا و امروز به بُرد خین معروف هست. ⁹اوسو، غیبگوییہ ارمیای نبی و حقیقت وُست که گوده بی: هُین سی سکه تُرقین ورگین، یعنی قیمتی که بنی اسرائیل سَر هو نادی، ¹⁰و هُین سی بُرد کوزه گردان، چونو که خداوند و مو امر کرده بی. ¹¹اما عیسی چلو والی و استا. والی از هُ پرسى: مَر تو پادشاه یهودی؟ عیسی گود: تو ایگوی! ¹²اما وختی که سترون کاهنون و مشایخ هُین متهم کردن، هیچ پاسخی نداد. ¹³اوسو پیلانس از هُ پرسى: «ایقَد چى علیه تو شهادت دان؟» ¹⁴اما عیسی و یکی از اِتْهامیل هم جواب نداد، اوطو که والی هم خیلی تعجب کرد. ¹⁵والی رسم کرد بی که هر عید یک زندانین و انتخاب مردم آزاد کُین. ¹⁶اوسو په زندانیه معروفی هم بی به نام باراباس که مین زندان بی. ¹⁷اوسو که مردم اوین تی یک، پیلانس از اونو پرسى: «کین آزاد کُیم، باراباسین یا عیسای معروف به مسیح؟» ¹⁸ینه ای چونو گود چون ایدونست عیسانن از ری حسد و او تسلیم ایکن. ¹⁹اوسو که پیلانس ری مسند داوری نشسته بی، زبَنش پیغامی و هو دا، که گوده بی: «وای مرد بیگناه کاری ناشته بو، سی همچونو که امروز خوی دربارہ ی هو دیم که مُنه خیلی رنج ایداد. ²⁰اما بزرگون کاهنون و مشایخ، قوم را وادار کردن که آزادی باراباس و مرگ عیسان انتخاب کنن. ²¹پس اوسو که والی پرسى: «کو یکی از ای دوتان آزاد کُیم؟» جواب دان: «باراباس را.» ²²پیلانس پرسى: «پس عیسای معروف ب مسیح چ بکنم؟» همگی گون: «بَنش ری صلیب!» ²³پیلانس پرسى: «سپچه؟ مَر چه بدی کرده؟» اما هون بلندتر فریاد زین: «بَنش ری صلیب!» ²⁴سی همچینو که پیلانس دی کاری از دستیش بر نیا و ایتْرِیست شورش کُین، او خواست و دستیش و او شُست و و مردم گو: «مو از خین ای آدمو دست کشیوم. خوتون ایدونین!» ²⁵مردم همه جواب دان: «خین هو ری گردن ایما و بچِلْمون با!» ²⁶اوسو پیلانس، باراباسین سیشتون آزاد کرد و عیسانین شلاق زیه، نادرش تا و صلیب بکُشِنش. ²⁷سربازون پیلانس، عیسانین و حیاط کاخ والی بُردن و همه ی سربازون دور هو جمع وویں. ²⁸انو عیسان لُهد کردن، عبای پُئوش کردن وُرش ²⁹و تاجی از خار بافین و ری سرش ناین و چوبی و دست راستش دان. اوسو جلوش رونی زین، و و مسخره ایگودن: «درود و پادشاه یهود!» ³⁰و ری هُو تُف کردن، چو نه از دستش ایگرن و ری سترش ایزین. ³¹بعد از ای که هُین مسخره کردن، عبایش دورین، لواس خوشن تیش کردن. اوسو هُین بیرون اورین تا و صلیب بکُشِنش. ³²هاموسو که رهدن ودر و مردی شمعون توم وُرْخورد کردن که اهل قیروان بی و هون مجبور کردن صلیب عیسان و گول بکُشه. ³³تا که و مکنونی واسم جُلُتْنا رسین که معنیش مکنون جُجمه بی. ³⁴و عیسی شراوی که زرد او قاطیش بی داین. چینوکه میزش کرد، نخواست بُخره. ³⁵هاموسوکه و صلیب کشنیش، میون خوشون قُره پستن، سی بَهر کردن لواساش. ³⁶و هاموچو و نگهونی هُو نشستن. ³⁷وای حال ی تقصیرنومه ای سر ی قاوی نوشتن و هون زیدن بالا سترش: یونه عیسی پادشا یهود. ³⁸دوتا رَهْزَنن هم وای هُو و صلیب کشین، یکی و دست راست و یکی و دست چپش. ³⁹رَهْگْزَرُون سَرا خوشون تَکُون ایداین و ناسزا کُون ⁴⁰ایگدن: ووی توکه ایخواستی معبدن و بیرون بُکونی و دواره هون سه روزه بسازی، خوتن نجات په! ایتْرِ پسر خدایی از صلیب بیو دیون! ⁴¹گپیل کاهنون و علما دین و شیخون مسخره اش ایکردن، و ایگدن: ⁴²دیگرون نجات دا، اما خوشن تتره نجات په! ایتْرِ پادشاه اسرائیل، همه حالا از صلیب بیا هه دُون تا ایما وش ایمون بیاریم. ⁴³هُو و خدا تَکَل داره، پ ایتْرِ خدا دوستش داره، همه حالا هون نجات به، چینو که ادعا ایکرد کُر خدایه! ⁴⁴او دوتا رَهْزَنی هم که وای هُو و صلیب کِشیه وویں، هَمیْطوژ وش اِهونت ایکردن. ⁴⁵از ساعت شیشم تا ساعت نهم که زَظْهر تا غُرو ایوو، تاریکی وُست سَر هَمه او ولایتو. ⁴⁶نزیکه ساعت نهم هَمو دم غُرو، عیسی وای صدا بلند جار زى: ایلی، ایلی، لَمّا سَتَقُشْتی؟ اندی ای خدای مُو، ای خدای مُو، سپچه مُون ول کردی؟ ⁴⁷تَ عَدَه که اوچو بیون و اُشنیدن، گودن: جار ایلیا ایزنه. ⁴⁸یکی ز اونو دِرنگ تکرر و نای وودو ی اسفنجی اورد، و هون از شراو تُرْش پُر کرد و ستر ی چووی نادرش و بُردش دَم دون عیسی تا بُخوره. ⁴⁹اما بقیه گودن: هون ول کُن و حال خوش تا پَتَرم ایلیا سی نجاتش ایاهه؟ ⁵⁰عیسی دُوارته وای صدا بلند قارنی و رُوح خوشن تسلیم کرد. ⁵¹هامو دِمون، پرده معبد از بالا تا دُون دو پاره ووی. زمین لَرِزست و بُردا قاچ وویں. ⁵²مزارا واز وویں و پَدنا خیلی از پاگون که آرمیده بین وریستاین. ⁵³اونو از مزارا اویدن ودر و بعداز رستاخیز عیسی، و شهر مقدس رهدن و خوشون و خیلی از مردم نیشون داین. ⁵⁴چینوکه قَرْمُندَه سَروازا و آدماش که مامور پایبونی از عیسی بیون، زمین لَرزه و همه ای وضعیون دین، سخت هَراشون وویں، گودن: و راستی که پسر خدا بی. ⁵⁵خیلی از رَنگَل اوچو حضور داشتن و از دیر سیل ایکردن. اونو از جلیل و دیندا عیسی رَه وُستین بی تا هون خدمت بُکُین. ⁵⁶میونیشون مریم مجدلیه و مریم دا یعقوب و یوسف، و هَمیْطوژ دا کُرگَل زیدی بیون.

Titus

Chapter 1

¹زبولس، خدمتگزار خدا و فرستاده عیسی مسیح من خدمت ایمون انتخاب اوبدهای خدا و شناختن او حقیقتی که به دینداری مثل یک بی، ²و وایمید زندهی همیشه ای که خدای پاک زهر دوروی زابتدا و هو وعده داد بی. ³بعدکلام خوش مین زمان معین آشکار کرد، زطریق موعظه ای که و دستور نجات دهنده ای ایما خدا و مو سپرده اوبی، ⁴و تیتوس، و فرزند درستکار مین ایمونی مشترک: فیض و سلامتی و جانو خدای بوو و نجات دهنده ای ایما عیسی مسیح سی تو بو. ⁵سی یو تونه مین کُرت قرار دادم تا کارای ناموم سامون بدی و همون

طور که به تو دستور دادم، من هر شهر شیخونه انتخاب کردی.⁶ شیخ کلیسا و از سرزنش دور بووه، و به زینش وفادار بووه، و بچیلش با ایمان بوون و ز هر گونه یاغی گری پاک بووه.⁷ سی یو که شیخ کلیسا نماینده خدائه سی همیونه که وادیر از سرزنش بووه، نه ته رای و تندخو نه شراب خوژو دنبال سودهای غیرقانونی،⁸ بلکه مشهور و مهمون نوازی و دوستدار نیکوییو پارسا و مقدس و منظم؛⁹ و پادار من کلام مطمینی که یاد داین تا بترین دیگرین بر اساسه تعلیمه درست نصیحت کین و نظرمخالفون ردش ایکن.¹⁰ چونکه سرکشونه بیهوده گو و دروگو زیاده، مخصوصا اونه که ختنه اوبیدن،¹¹ که دونشون وادیر، چون سی به دست اوردنه منفعتی که از راه دزدی ایخون به دست بیارن، تعالیم اشتباه ایدن و ابطور تموم حنواده ها نه پاک نابود ایکن.¹⁴¹³¹² حتی یکی زانیای خوشون گویده بیین: <> گرتیان مردمونی دروگو و وحشی و کموایی بیعارن. <> ای گواپی دادن راسته. پ اونونه و شدت توبیخ و سرزنش بکن تا مطمئن ووی که ایمونیشون پادار و سلامت وون و و افسانه های یهود و کسای که دستورای حقیقی انکار ایکن گوش نکین.¹⁵ سی پاکون همه چی پاکه، ولی سی اونو که آلوده و گناهان و بی ایمونین، هیچ چی پاک و خو نیست، بلکه هم فکرشون آلوده هست و هم باطنشون.¹⁶ ادعا ایکن که خدانه ایشناسین، ولی وادیر داشون هونه انکار ایکن. نفرت انگیزن و نافرمون، و مناسب نیستن سی هر کار خوبی.

¹ ۋلى تو طبق تعاليم درست ،سخن بگ. ² پيايلى كه پير اويدنه بشون بگ متين و ملايم وياتقوا بوون ۋمين ايمانئون ۋ مهربونى ۋصوبريشون و شايستگى رفتار بكنن. ³ ۋهميطور رنگلى كه پير اووين بايد روش زنديشون محترمانه بووه. نوا غيبت كنن يا بنده ى شراب بوون، بلكم وا او چى كه خووه ياد بدن ، ⁴ تا بترن زينگل جوونتره ياد بدن كه ميره دوست و بچه دوست بوون ⁵ ۋيا تقوا ۋعفيف و كديانو ۋمهربون ۋگوش گر ميرگلشون بوون، تا كلوم خدا بد گوده ۋۋوه. ⁶ ۋ پيايلى جوون نصيحت بكنن تا عفيف بوون . ⁷ خوت مين همه چى الگوه اعمال خو بو .مين ياد دادن وا صادق و جدى بووى، ⁸ ۋمين سلامت گفتارت طورى بووى كه كسى نترسته بووه تون سرزنش كنه ،تا مخالفون اير موقعيت بد گفتن ز اйма پيدا نكنن ،خجالت زبه اييون. ⁹ ۋغلامون ياد بده كه گوش بگرن هر چى كه ارباباشون ايگون ۋ سى راضى كردن ارباباشون تلاش بكنن؛ ۋيكى به دو تگن ¹⁰ ۋ زاوونو دزدى تگن ،بلاكم امانتدار بوون تا من هر چى ياد دادنى كه ارتباط داره و نجات دهنده ى اйма خدانه زينت ايخشه. ¹¹ چون فيض خدا ظاهر اووى ،فيضى كه هقنه نجات ايده ¹² ۋ اйма ياد ايده كه بى دينى و هوسهاى دنيويته ترك كنين، وا با عفتى ۋپارسايو ديندارى من اى زمونه زندى كنيم، ¹³ من او زمونى كه انتظار او اميد موارك، ينى ظاهر اويدنه پر جلاله خداى بزرگ نجات دهنده ى خومون عيسى مسيح هديم، ¹⁴ كه خوشه فداى اйма كرد تا اйма ز هر چى كاره ليشه دير اويم ۋ يه قومى پاك راست كنه كه سى خوش بووه و با غيرت سى كار خو. ¹⁵ اينونه بگ، ۋ وا هر چه قدرت دارى تشويق تنبيهشون بكن، ۋنهل هيچكى تونه كوچير كنه.

²¹ ۋاونو پاداوری کن که حرف حکمرانوں ۋ صاحبمنصبوں گوش بُکُن ۋ فرمونبری کُن، ۋسی هر کارخو آماده بوون؛ ۋهیچکی دشمنون نډن بلاکم دنبال صلح بوون واملاحظه بوون وا همشون فروتن رفتار کُن. ³ ایما هم یه زمونی نادون ونافرمونبردار بیدیم ۋرمون گم کرده بیدیم ۋوابسته وهمه هوسها ولدت ها؛ ۋ ز هم کینه داشتیمو حسودی ایکردیم ۋایطور روزگارمون ایگذرونیدیم. نفرت انگیز بیدیم ۋ زیکدو متغیر بیدیم. ⁴ ولی وقتی مهربونی ۋانساندوستیه کسی که ایمانه نجات داد آشکار اُوید، ⁵ ایمانه نه سی یو که کارای خوبی کرده بیدیم، بلاکم سی دله رحمت خوش نجاتمون داد، زطریق غسل تولد تازه ۋتازه اُویدنی که ز روح القدس هده؛ ⁶ که هونه به فراوانی سی ایما فرستا، زطریق نجات دهنده ی ایما عیسی مسیح، ⁷ تا و فیض هو پارسا شمرده اوویم، بنا و امید زندییه ابدی، ۋوارثون تبدیل اُویم. ⁸ ای سخنی که گودن شایسته اعتمادده. ۋز تو ایخوم که و ای امور و مسائل تاکید بُکُن، تا اونو که و خدا اعتماد کِرنه، یادشون تره که خوشونه وقف کارای خو بُکُن، که ای کارا سی همه خو ۋ سودمنده. ⁹ ولی زدهواهایی که زبی عقلی و شجره نومه ها ۋبختا ۋ دعوایایی که درمورد شریعته دوری کن، سی یو که بی فایده ۋبی ارزشه. ¹⁰ ۋهو که باعث جداییه به بار، ۋبعد سی دومین بار هشدار وش بده، ولی بعد از هو، ۋاش رابطته قطع بُکُن. ¹¹ سی یو که ایدونی ای شخص خوش منفره ۋگناکار، ۋخوش باعث محکومیته خوشه. ¹² وقتی آرتماس یا تیخیکوسین بفرست طیت، تلاشت بُکُن تا زیر بیای طیمون مین نیکوپولیس، چون ایخوم زمستونه اوچو بوؤم. ¹³ تا اوچو که ابطری، وزیناسه وکیل و آپولوس مین کارای سفرشون کمک کن تا محتاج وچیزی نیوون. ¹⁴ اجازه بده همکیشانمون یاد بگیرن که خوشون اختصاص یدن سی کارای خو تا سی برآورده کِردن نیازای ضروری تدارک بین ۋزندیه بی نتیجه ای نداشته بوون. ¹⁵ اونو که وا مو هستین، همه سی تو سلام ایفرستین. و اونو که ایمانه مینه ایمان دوست دارن، بشون سلام برسون. فیض همراه همتون بووه.

Philemon

¹ زه پلوس رسول که مین زندان مسیح عیسی زه تیموتاس گواپما ۋه رفیق عزیز همکار ایما فیلیمون، ² ۋه ددو ایما آفیا ۋه همترم ایما آرخیپوس، ۋو کلیسای که مین حونه بریا ایکونی ³ فیض و سلامتی زه طی خدا پدر ایما ۋخداوند عیسی مسیح وایشا بووه. ⁴ مو مین دعا هام وقتی یادت ایفتم بازم خدای خوم سپاس ایگوم ⁵ سی چونوکه تعریف ایمونون ۋه خداوند عیسی ومحبتت ۋه همه مقدسینه شنیوم ⁶ دعاموبونه که مشارکت ایمونت ۋه کارت بیا، تونه و شناخت هر تواناییه خوبی که داری هدایت ایوبی وسمت بدن مسیح که مین ایما هست ⁷ محبت تو مونه یه کُلی شاد و امیدوار کرد، چون ۋه دل های مقدسین تازگی بخشیی. ⁸ وا ایکه در مسیح ایبنوم که هر کاری که بخووم ایترووم وات بکنم که لایقشی ⁹ ولی وت خوا هس ایکنم وا محبت ایکارون بُکنم. مو پلوس پیروم، که حالا زندانی عیسی مسیحوم، ¹⁰ ایخوم از گروم اونسیسموس که مین بند دیدومش و جور گرومه یه خواهش که وت داروم ¹¹ ۋه مینه گذشتش خیلی یدرد بخور نبی اما حالا خیلی خۇ ودرد ایخوره ¹² هونه که نصفی زه وجودمه ایخوم یفرستمش تبت ¹³ ایخواستم تی ۋوت پهلش تا ای چن وقتی که مو سی خاطر انجیل مین زندانم سهم تونه و ای خدمت و گردن یگره. ¹⁴ مو نیخواستم یه کارین مین بی خوری تو بُکنم، تا نیکی کِردن تو از ری میل بو، نه ۋه زور و اجبار ¹⁵ بسا کم سی همو یوبه زمان کوتاهی و توجدا وویی تا سی همیشه بیا تی تو ورگرده ¹⁶ اما دپه نه جوره یه غلام، بلاکم بهتر زه هو، خیلی عزیزه. سیم اما تو عزیزتری، چه مینه مقام، یه انسان، چه مینه مقامه یه گوویی مینه خداوند. ¹⁷ پته ایرمونه رفیق خوت ایدونی، هونه همطور قوول کن که مونه قوول داری. ¹⁸ ایر خطایی و تو کِردیا و تو بدهکاره، هونه وحسامونیه. ¹⁹ مو، پولس، و دست خط خوم اینوسوم که هونه تلافی اکنوم. البته نیازی نیست که بُگووم که تو جون خوتن و مو مدیونی. ²⁰ ها گگوم، آرمون داروم مینه خداوند یه سودی زه تو و مو برسه؛ پس جؤنو مونه مین مسیح تازه کن. ²¹ یونه اینوسوم که زفرمونبریه تو اطمینون داروم وادونوم پیش زهوه که اگوم، انجوم ایدی. ²² در ضمن، یه تویی سیم آماده کن، سی دل یو که امید داروم سی دل دعاهاون به ایشا بخشیده وایوم. ²³ اپافراس، هم زندونیم مین مسیح عیسی، سلام ایرسونه. ²⁴ همچنین همکارونوم، مرقس، آریستارخوس، دیماس ولوقا و تو سلام ایرسون. ²⁵ فیض خداوند عیسی مسیح و روح ایشا بو.

3 John

¹ زشیخ کلیسا به گایوس عزیز که هونه در حقیقت دوست دارم. ² عزیزم، دعا مو، سی تو یونه که زهر لحاظ خوشوقت وایوبی تندرستی و سلامتی وشرتری. همچونو که جونت کامیاه. ³ مو یه کُلی خوشحال وایدم که گوئل اُوویدن، زوفادارتو حیقتو روش زندی مینه هو گواپی ایدن. ⁴ هیچی مونه ایقد خوشحال نیکنه که یشتقم بچیکم مین حیقت حرکت ایکن. ⁵ عزیزم، مو مینه همه کارات سی گوئل، امانت خو پ نشون ایدی، بخصوص یو که اینو طی تو عربون. ⁶ اوتوم مین کلیسا زحبتت تو گوهی داین. پ کاری نیکو اکنی اتر، اونونه اوطو که لایق خدای ژونه سفرکنی. ⁷ سی یو که اونو به خاطر نوم هو بی که سقر کِرنه ز غیریهودیون کمکی دریافت نکرین ⁸ پ ایما وا اونون حمایت کنیم تا وا اونو در پیشبردن حیقت همکاری کرده بوئیم. ⁹ مطلقوی که سی کلیسا نوشتم، ولی دیوترفیس که مقام اول دوست داره، قدرت ایمانه گردن نیگیرن. ¹⁰ پس چون ۋرگرئم، وا و کاری که انجام ایده رسیدی کُتم، ایسو که وا عرس دیندا ایما بد ایگو و بوم

فانع نیبوه، و گوئل هم نیپذیره و اونو که ایخن هونه قبول کُنن، بازداشته، زِ کلیسا اندازه نشون سَترا.¹¹ عزیزم، کار لیشه سی خوت آلگو مکن، خوئینه الگو خوت بُکن؛ سی یو که کسیکه خویی ایکنه زِ خدا هده، ولی هو که رفتارِس لیشه خدانه نیبینه.¹² همه ی مردم دیندا دیمتریوس و خویی تعریف اِکُنن، حتی حیقتم. ایمانم ایطو گواپی ایدیم و ایدونی که گواپی ایما درسته.¹³ یه کُلی چی داشتم سیت بنویسم، ولی نیخم وا جوهر و قلم بوه، ولی امید داروم که زیتَر زِ یو پَتروم یوئمتو ری و ری صحتو کنیم.¹⁴ سلامتی سی تو بووه.¹⁵ رفیقو سی تو سلام ایفرستین. و رفیقون اوچونه به نوم سلام یَرسون.